

بسمه تعالی



پردیس فارابی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز

تقریرات درس

حقوق محیط زیست در صنعت نفت

اساتذ:

دکتر علی مشهدی

منابع درس

- ۱- کتب عمومی حقوق محیط زیست از جمله جهت آشنایی مختصر دو کتاب ذیل:
کیس الکساندر و دینا شلتون، **کتابچه قضایی حقوق محیط زیست**، ترجمه دکتر محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸ و شاو ملک، **حقوق بین الملل محیط زیست** ترجمه دکتر علی مشهدی و حسن خسرو شاهی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
- ۲- مشهدی، علی، **مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست در صنعت نفت**، انتشارات خرسندی، چ اول، ۱۳۹۳.
- ۳- وزارت نفت، **دستورالعمل ارزیابی اثرات زیست محیطی خطوط انتقال نفت و گاز**، وزارت نفت، معاونت امور مهندسی، ۱۳۸۶.
- ۴- مباحث تفصیلی مطرح شده در کلاس

فصل تحت - مفاهیم، مبانی و پیشینه

فصل نخست - مفاهیم، مبانی و پیشینه

در این بخش سعی شده است مفاهیم بنیادین مرتبط بررسی و مبانی و پیشینه بحث تحلیل و معرفی گردند.

مبحث اول - مفاهیم بنیادین

در این درس با چند مفهوم بنیادین مواجه هستیم. که شامل حقوق محیط زیست، محیط زیست، صنعت نفت و گاز و یک مفهوم شایع در صنعت نفت آلودگی نفتی می شود. ذیلا این مفاهیم را در دو دسته مفاهیم مرتبط با حقوق محیط زیست و مفاهیم بنیادین مرتبط با صنعت نفت بحث خواهیم نمود.

گفتار اول - مفاهیم حقوق محیط زیست

۱- محیط زیست

محیط زیست در حقوق محیط زیست، اضافه توضیحی است. به گونه ای که ما با آرایه تتابع اضافات مواجهیم. مفهوم مضاف الیه محیط زیست، نیز خود نیازمند تعریف و مشخص نمودن قلمرو مفهومی آن در مطالعات حقوق است. وقتی صحبت از «محیط زیست»^۱ می شود، ممکن است مجموعه ای از مفاهیم و اشباح فکری به ذهن متبادر گردد. آیا منظور همان محیط انسانی است؟، آیا طبیعت و حیات وحش مد نظر است؟ آیا مجموعه «بیوسفر»^۲ ملاک ما است؟ به قول پرفسور پریور محیط زیست مفهومی «رنگارنگ»^۳ است. (Prieur:2001,1) طبیعت، اکولوژی، حیات وحش، چارچوبه زندگی، فضای پیرامونی و اکوسیستم از زمره این موارد است. واقعیت آن است که این واژه به لحاظ مفهومی تعریف جامع و مانعی ندارد و تاحدودی اختلافی و نیز سهل و ممتنع است. به قول پرفسور ورونیک واژه محیط

^۱ . Environnement

^۲ . الکساندر کیس موضوع حقوق محیط زیست را به مجموعه اصول وقواعدی تعریف نموده است که جهت حفاظت از «بیوسفر» در برابر تخریب و هر گونه اختلال ظهور نموده است.

^۳ .Caméléon.

زیست در زمره آندسته از مفاهیمی است که نمی توان آنرا به دقت مشخص نمود. در یک تفسیر موسع این مفهوم دارای معانی متعددی^۴ بوده و می تواند هر موضوعی را در بر گیرد.

از لحاظ لغوی مرکب از دو واژه «محیط» و «زیست» است. «محیط» واژه ای عربی بوده و از ریشه «حوط» است و به معنای احاطه کننده، آن چیزی که چیزی را احاطه نموده است، اقیانوس، را در عربی از آن جهت که آب آنرا احاطه نموده است «محیط» می گویند. «زیست» نیز واژه ای فارسی و مترادف زندگی و حیات است. (مشهدی: ۱۳۸۹، ۲۱۱) بنابراین منظور از آن، مجموعه عواملی است که زندگی و حیات را در بر گرفته است. معادل عربی محیط زیست نیز «البيئه» است و منظور از آن کلیه عوامل خارجی (طبیعی و مصنوعی) است که حیات کائنات را در بر گرفته است.^۵ ریشه فعلی آن نیز در زبان فرانسه از در برگرفتن و «احاطه کردن» است که از قرن دوازدهم میلادی در زبان فرانسه رواج یافته است. در یک برداشت بسیار وسیع محیط زیست در برگیرنده کلیه عوامل ذهنی و عینی است که چارچوبه حیات بشری و حیوانی و نباتی را احاطه نموده است.

به لحاظ اصطلاحی نیز محیط زیست، قرابت نزدیکی با مفهوم لغوی آن دارد. اصطلاحاً محیط زیست در برگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسانساختی می شود که افراد انسانی و حیوانات و یا گیاهان و گونه ها (جاندار و غیر جاندار) را احاطه نموده و یا کلیه عوامل ملموس و غیر ملموس که «چارچوبه حیات» را تشکیل می دهند. (Larrouse, 2004:249) در یک تعریف گفته شده است که منظور از محیط زیست «مجموعه ای از شرایطی است که حول یک فرد یا جامعه را احاطه نموده است و محتوای آن شامل فاکتورهای فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی است.» (Bruce:2007,147) دیکسیونر فرانسوی روبر نیز محیط زیست را

^۴ . Polysémique

^۵ . در زبان فرانسه معادل environnement (آنویقونما)، در انگلیسی environment و در آلمانی

umvelt (مولت) به کار می رود.

^۶ . Cadre de vie

اینگونه تعریف نموده است. «کلیه عوامل طبیعی^۷ (فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی) و فرهنگی^۸ (اجتماعی) که ارگانیزم‌های زنده بویژه انسان در آن فعالیت می نمایند.» (Larrouse, 2004:249) این تعریف تنها شامل عناصر زنده محیط زیست است. محیط زیست در یک تعریف موسع شامل عناصر زنده و غیر زنده نیز می شود. بنابراین از این منظر محیط زیست عبارت است از آن دسته از عواملی که انسان، گیاه و حیوان و جماد(عناصر زنده و غیر زنده را احاطه کرده، آن را در خود فرو گرفته و با آنها در کنش متقابل قرار دارد. البته در برداشت از محیط زیست باید میان واژگان متعددی نظیر طبیعت، اکولوژی، چارچوبه زندگی، فضای پیرامونی و اکوسیستم که بعضاً آنها را معادل محیط زیست قرار می دهند تمایز قائل شد. «اکولوژی»^۹ مفهومی اخص از محیط زیست است.^{۱۰} طبیعت^{۱۱} نزدیک‌ترین مفهوم به محیط زیست است، اما در معنای شایع خود منصرف از محیط زیست مصنوع و انسان‌ساخت است و تنها شامل عناصر و عوامل طبیعی می شود. اکوسیستم^{۱۲} مطابق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی به مجموعه موجودات زنده و غیرزنده یک محیط گویند که با هم ارتباط دارند. در واقع اکوسیستم به معنی مجموعه پویایی^{۱۳} از گیاه حیوان و میکرو ارگانیزم‌ها^{۱۴} (موجودات ذره بینی) و محیط پیرامون آنها است که به عنوان یک واحد کارکردی^{۱۵} بر یکدیگر اثر می گذارند. (مشهدی: ۱۳۸۹، ۵۷)

7. Naturelle

8. Culturelle

9. Ecologie

^{۱۰}. اکولوژی حوزه علمی جدیدی بود که توسط ارنست هکل در ۱۸۸۶ بنیان نهاده شد. در این علم همان‌گونه که پیشتر داروین نیز به آن پرداخته است، صحبت از روابط موجودات با طبیعت مطرح است و رابطه انسان و طبیعت به هیچ روی مطرح نیست. در حقوق بین الملل محیط زیست آنگاه که صحبت از محیط زیست طبیعی می شود ادبیات این حوزه از واژه‌های مخصوص اکولوژیست‌ها غنی است.

11. Nature

12. Ecosystem

13. Dynamic complex / complexe dynamique

14. Micro.organism

15. Functional unit/ Unité fonctionnelle

در اسناد نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله مصوبه ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ شورای اروپا مقرر می‌دارد «محیط زیست شامل آب و هوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است.» دیوان بین‌المللی دادگستری در بخشی از نظریه مشورتی خود در خصوص مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای^{۱۶} آورده است «محیط زیست مفهومی انتزاعی نبوده، بلکه فضایی است که در آن موجودات انسانی زندگی می‌کنند و کیفیت زندگی و سلامتی شان از جمله برای نسل‌های آینده به آن فضا وابسته است. (کوک دین: ۱۳۸۲، ۸۷) کنوانسیون لوگانو مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست این واژه را اینگونه تعریف نموده است که محیط زیست شامل «منابع طبیعی، آب و هوا، خاک، گیاهان و جانوران و روابط میان این عناصر و همچنین شامل منابع طبیعی و مناظر ویژه می‌شود.»^{۱۷}

رویکرد اسناد نیز به محیط زیست متفاوت است که میتوان از دو رویکرد انسان محور و طبیعت محور یاد نمود. در برداشت طبیعت محور محیط زیست خود هدف بوده و شامل همه عناصر طبیعت از جمله آب، خاک، هوا، مواد معدنی، جنگل، گونه‌های گیاهی و جانوری، جهان ناآدمیان^{۱۸} و حتی خود انسان می‌شود. (Wilkinson:2002, 41) در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بن، کنوانسیون رامسر و نظایر آن این رویکرد غلبه دارد. اما در تلقی

¹⁶ . Avis consultatif du CIJ en 8 juillet 1996 sur la licéité de l'utilisation des armes nucléaires par un Etat dans un conflit armé (O.M.S.) et sur la licéité de la menace et de l'emploi d'armes nucléaires (A.G.N.U.)

¹⁷ : Convention sur la responsabilité civile des dommages résultant d'activités dangereuses pour l'environnement. Lugano, 1993.

¹⁸ . انشتین گفته بود: «محیط زیست هر چیزی غیر از من است» «The environment is everything that is not me» برخی این سخن را مورد نقد قرار داده اند که خود انسان هم جزئی از همان محیط زیست است. انسان هم «محیط» و هم «محاط» در این فضا است. همان زمان که انشتین محیط زیست را هر آن چیزی تلقی می نمود که خارج از وی قرار داشت، میکرو ارگانیزم‌های بسیاری در بدن وی فعال بودند. البته به نظر می رسد انشتین این سخن را برای درک عمیق و ساده مفهوم محیط زیست بیان نموده است و نه جدایی انسان از مفهوم و مصداق محیط زیست. (Wilkinson:2002, 41)

انسان محور محیط زیست کلیه عواملی است که انسان را احاطه نموده است یا هر عاملی است که «چارچوبه زندگی»^{۱۹} انسانی را در بر می گیرد در این برداشت آنچه اهمیت دارد «محیط زیست انسان ساخت» بوده و در مرکز توجه و عنصر اصلی تعریف ها و برداشت ها از محیط زیست است. دیکسیونر فرانسوی لاروس با این برداشت آورده است که «منظور از محیط زیست کلیه عوامل طبیعی یا انسان ساختی است که زندگی انسانی^{۲۰} را در بر گرفته است.»^{۲۱} (Larrouse, 2004:249) با این حال در یک تعریف جامع می توان گفت محیط زیست «عبارت از کلیه عوامل شیمیایی، بیولوژیکی، طبیعی و انسان ساخت است که زندگی انسانی، حیوانی و گیاهی و جمادات (عناصر جاندار و غیر جاندار) را احاطه نموده است.» این تعریف شامل کلیه عناصر جاندار و غیر جاندار و تأثیر و تأثر آنها بر هم دیگر می شود. عناصر جاندار شامل انسان^{۲۲}، گیاهان، جانوران (فون و فلور)^{۲۳} و عناصر غیر جاندار شامل آب، خاک، هوا، زمین، کوهستان، صخره ها، اقیانوس ها و نظایر آن می گردد.

^{۱۹}. Cadre de vie

^{۲۰}. Vie de l'homme

^{۲۱}. تلقی رایج این است که در برداشت های طبیعت محور، مفهوم محیط زیست، منصرف از انسان و فضاها ساخت دست بشر است. به این معنا که شامل فضاها ی انسانی (محیط زیست انسان ساخت) نمی شود. در حالی که به نظر می رسد تفکیک محیط زیست به محیط زیست انسانی و طبیعی ریشه در تفکر دکارتی در فلسفه های محیطی دارد. تلقی برداشت های طبیعت محور به «محیط زیست بدون انسان» یا تلقی برداشت های انسان محور به «انسان بدون محیط طبیعی» نخستین سنگ بنای تخریب محیط زیست و تحلیل های آنتروپوستریستی در حقوق بین الملل را نهاد. به گمان ما اندیشه طبیعت محوری (اکوستریسم) باید باز تعریف شود. در این اندیشه انسان در «آشتی با طبیعت» و «جزئی» سازگار با آن است. (مشهدی: ۱۳۹۰، ۳۲)

^{۲۲}. انسان امروزی یا Homo sapiens (نام علمی گونه انسان) شاخص ترین و مهمترین عنصر غیر جاندار محیط زیست است که موضوع بسیاری از قوانین و مقررات محیط زیست می باشد. زیست شناسان برخی از تفاوت ها را نظیر هوش تکامل یافته بالا، توانایی در تجزیه و تحلیل، زبان سخن گفتن، درون گرایی و احساسات را وجه شاخص تمایز این گونه از گونه های دیگر دانسته اند.

^{۲۳}. در اسناد بین المللی و قوانین ملی دسته بندی عناصر جاندار به گیاهان و جانوران (فون و فلور) Flora et Fauna شایع است که شامل کلیه گیاهان و جانوران (زیا و گیا) در یک منطقه

۲- حقوق محیط زیست

حقوق محیط زیست Environmental law رشته ای است مستقل و خاص Sui generis در حوزه مطالعات حقوقی که موضوع آن حمایت، بهبود و بهسازی محیط زیست است.

به دلیل ماهیت قواعد، ویژگیهای خاص، برد حقوقی و اهداف آن، ارائه تعریفی جامع و مانع از رشته حقوق محیط زیست از لحاظ تئوریک بسیار پیچیده و مشکل است. (Prieur, 2001: 6) به همین دلیل نه تنها این اصطلاح در هیچ سند قانونی تعریف نگردیده است بلکه حتی بسیاری از نویسندگان حقوق محیط زیست از تعریف آن اجتناب نموده اند.

رافائل قمی حقوق محیط زیست را علمی توصیف می کند که در «چهار راه علوم» Crrefour قرار دارد. (Romi, 2001, 1-5)

دپاکس این رشته را به حقوق حاکم بر پیشگیری و محدود نمودن اثرات فعالیت‌های انسانی بر عناصر مختلف محیط زیست تعریف نموده است. (Despax, 1988: 15) این رشته بعنوان یک حوزه مستقل با رنگ و بوی حقوق عمومی (در معنای عام) دارای رشته های متعدد و مرتبط با سایر شاخه های حقوق است. مسائل زیست محیطی رشته های مختلف منجر به شکل گیری حوزه های جدیدی در این علم شده است از جمله حقوق اساسی محیط زیست، حقوق اداری محیط زیست (سازمانهای اداری حافظ محیط زیست)، حقوق مالی محیط زیست (مالیاتهای سبز، نظام حقوقی عوارض و معافیت‌های مالیاتی، حسابداری دولتی سبز و...) حقوق بین الملل محیط زیست (نک: شماره ۲۹۸) حقوق کیفری محیط زیست (حقوق کیفری آب، حقوق کیفری هوا، حقوق کیفری خاک، حقوق کیفری شکار و صید، حقوق کیفری جنگل و مرتع، حقوق کیفری پسماند و...)

جغرافیایی یا دوره خاص است. فلور شامل کلیه گیاهان و فون نیز به کلیه جانورانی اطلاق میگردد که در کره زمین در دسته بندی انواع قرار دارند. در رویه های عملی و اسناد قانونی نظیر کنوانسیون سایتس، منشور جهانی طبیعت، اعلامیه استکهلم و دستور کار ۲۱ از این تقسیم بندی استفاده شده است. در ضmann کنوانسیون ۱۹۷۳ سایتس از این نامها استفاده نموده است.

حقوق بشر زیست محیطی (حق بر هوای پاک، حق بر آب سالم، حق بر محیط آرام، حق بر اطلاعات زیست محیطی، حق بر مشارکت در تصمیم گیریهای زیست محیطی و...) از لحاظ موضوعات مورد مطالعه نیز می توان آنرا به دسته های ذیل منقسم کرد: حقوق حفاظت از هوا، حقوق حفاظت از آبها، حقوق حفاظت از خاک، حقوق حفاظت از جانوران، حقوق شکار و صید حقوق حفاظت از پوشش گیاهی و... علاوه بر این رشته های دیگری از حقوق و سایر علوم را می توان برشمرد که دارای حلقه های ارتباط Circle Connection با حقوق محیط زیست هستند از جمله: حقوق شهری و روستایی، حقوق منابع طبیعی، حقوق اراضی، حقوق کشاورزی، حقوق انرژی، (حقوق محیط زیست و صنعت نفت)، حقوق صنعت، حقوق معدن فلسفه حقوق محیط زیست، تاریخ تحولات حقوق محیط زیست و....

۳- آلودگی

آلودگی از مفاهیم پر کاربرد حقوق محیط زیست است که از سالهای نخستین شکل گیری این رشته از حقوق شاهد تکرار این مفهوم در متون و اسناد بین المللی هستیم. در یک تعریف مختصر گفته شده است که آلودگی عبارت از فرآیندی که باعث افزودن مواد مضر یا کثیف به زمین، هوا، آب، محیط و غیره شده، به طوری که برای استفاده بهینه نامطلوب باشد. (مشهدی: ۱۳۸۹، ۲۵)

در تعریفی دیگر، آلودگی زمانی ایجاد می شود که غلظت یک عامل شیمیایی در محیط به اندازه ای باشد که باعث واکنش فیزیولوژیکی بوسیله موجودات زنده در نتیجه تغییرات بوم شناختی شود. (فریدمن: ۱۳۸۰: ۱۸) ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۰۳ چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر آلودگی را به ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی به محیط زیست توسط انسان که اثرات زیانبخش دارد یا ممکن است داشته باشد به گونه ای که به منابع زنده و حیات آبریان آسیب برساند و برای سلامت انسان خطر داشته باشد یا مانع استفاده های مشروع گردد. تعریف نموده است. در اسناد بین المللی دیگری چون ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۷۶ بارسلون برای حفاظت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی، دستور العمل ۴ می

۱۹۷۶ اتحادیه اروپا مربوط به آلودگی هوای خاص ناشی از مواد خطرناک، ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۷۹ ژنو مربوط به انتقال آلودگی هوایی به مناطق دور دست، ماده ۱ بخش ۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته گوبی مربوط به حقوق دریاها و... تعاریف کما بیش مشابهی ارائه شده است.

۴- توسعه پایدار

این مفهوم بعد از دهه نود و به دنبال برگزاری کنفرانس ریو در حقوق بین الملل رواج یافت. تدوین و تکمیل این اصطلاح توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (کمیسیون بروننت لندن) در ۱۹۸۷ صورت گرفت و سپس بوسیله سازمان ملل متحد پایه ای برای تشکیل کنفرانس ریو دوژانیرو گردید. مطابق تعریف کمیسیون بروننت لندن توسعه پایدار به معنای توانایی نسل حاضر برای تأمین نیازهایشان است بدون آنکه ظرفیت نسل آینده دیگر مردمان را در برآوردن نیازهایشان به خطر اندازد، است. این مسئله بعداً در دکترین حقوقی بعنوان یکی از اصول بنیادین حقوق محیط زیست مطرح گردید. توسعه پایدار دارای سه جزء است. «توسعه اقتصادی»، «پیشرفت اجتماعی» و «احترام به محیط زیست» که باید با هم دیگر در تعادل و آشتی قرار گیرند. (Roche:2006,27)

گفتار دوم - مفاهیم مرتبط با صنعت نفت

۱- نفت و گاز

نفت: هیدروکربورهایی که به صورت نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، قیر طبیعی، پلمه سنگهای نفتی و ماسه‌های آغشته به نفت به حالت طبیعی یافت شده و یا طی عملیات بالادستی به دست می‌آید. (ماده ۱ قانون نفت مصوب ۱۳۹۱) گاز: هیدروکربورهایی که در سازندهای گازی مستقل، گنبدهای گازی و یا محلول در نفت در شرایط متعارف به حالت گاز موجود است و یا طی عملیات بالادستی همراه با نفت خام به دست آید. (ماده ۱ قانون نفت مصوب ۱۳۹۱)

۲- صنعت نفت و گاز

شامل کلیه فعالیت‌های مرتبط با عملیات بالادستی و پایین دستی می‌شود:

الف- عملیات بالادستی نفت

کلیه مطالعات، فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره‌برداری و صیانت از منابع نفتی، انتقال، ذخیره‌سازی و صادرات آن مانند پی‌جویی، نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی، حفر و خدمات فنی چاهها، تزریق گاز، آب، هوا و یا هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی گردد و نیز احداث و توسعه تأسیسات و صنایع وابسته، تحدید حدود، حفاظت و حراست آنها برای عملیات تولید و قابل عرضه کردن نفت در حد جداسازی اولیه، صادرات، استفاده و یا عرضه برای عملیات پایین دستی را شامل شود.

مواردی نظیر مدیریت و نظارت بر تأمین کالاها و مواد صنعتی، آموزش و تأمین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و انجام کلیه فعالیتهای لازم جهت ایجاد، ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق جزء عملیات بالادستی محسوب می‌شود. (ماده ۱ قانون نفت مصوب ۱۳۹۰)

ب- عملیات پایین دستی نفت

به کلیه مطالعات، فعالیتها و اقدامات مربوط به عملیات تصفیه و پالایش در تأسیسات پالایشی جهت تولید فرآورده‌های نفتی و استفاده از آنها برای تولید محصولات پتروشیمیایی و انتقال، ذخیره‌سازی، توزیع، فروش داخلی، صادرات و واردات فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی اطلاق می‌شود.

مواردی نظیر تأمین کالاها و مواد صنعتی، آموزش و تأمین نیروی انسانی، ایجاد و حفظ شرایط ایمنی، بهداشت و محیط زیست و انجام کلیه فعالیتهای لازم جهت ایجاد، ارتقاء و انتقال فناوری برای پشتیبانی عملیات فوق جزء عملیات پایین دستی محسوب می‌شود.

۳- سوانح آلودگی نفتی

اتفاق یا مجموعه‌ای از اتفاقات که دارای منشاء یکسان بوده که منجر به ریزش نفت شده یا ممکن است بشود و محیط‌زیست دریایی یا خطوط ساحلی یا منافع مربوط به یک یا چند کشور را مورد تهدید قرار داده و یا ممکن است مورد تهدید قرار دهد و مستلزم اقدام اضطراری یا واکنش فوری دیگری باشد.

(بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۰ لندن راجع به آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی)

۴- آلودگی نفتی، آثار و خسارات آن

نظام ایمنی و بهداشت محیط زیست در قانون مصوب ۱۳۹۰ در صنعت نفت و گاز توجه داده شده است. آثار آلودگی نفتی و اساساً فعالیتهای مرتبط با صنعت نفت اثرات متعددی را بر محیط زیست دارد و این اثرات را می توان از نگاه‌های مختلفی دسته بندی کرد از لحاظ : ۱- نوع اثر ۲- ویژگی های اثر ۳- اهمیت اثر

نظیر سایر فعالیتهای صنعتی، صنعت نفت می تواند اثرات منفی و مثبت داشته باشد

اثرات مثبت که صنعت را (گرین) سبز و صنعت را دوستدار محیط زیست نشان می دهد، می تواند سطوح متفاوتی داشته باشد. مثلاً یک صنعت در تولید ساختمانها یا محصولاتی که مانع آلودگی صوتی می شود دوستدار محیط زیست می باشد. پس از لحاظ نوع اثرات آثار فعالیت های صنعتی را می توان به اثرات منفی و مثبت دسته بندی کنیم، بعضی از فعالیتهای زیست محیطی مرتبط یا صنایع مثبت هستند که خود سطوحی دارند سطح سودمند، نسبتاً سودمند یا کمتر سودمند و فعالیتهای منفی دارای سطوحی متفاوت هستند از جمله : ۱- مخرب، نسبتاً نخریب یا کمتر مخرب و بسیار مخرب.

ویژگی های آثار فعالیتهای زیست محیطی صنعت نفت را می توان در آثار بلند مدت و کوتاه مدت ، آثار مستقیم و غیر مستقیم تقسیم بندی نمود مثلاً در قضیه ی انفجار سکوهای مکزیک ← کارگرانی که مشغول کار بودند اثر مستقیم داشت. ایجاد آلودگی ← اثر مستقیم . اما آلودگی که وارد آلوسیستم غذایی می شود اثر غیر مستقیم می باشد و هم چنین اثر آلودگی را می شود به اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیر دسته بندی نمود ، اجتناب ناپذیر مانند فوران آتشفشان ، زلزله ، سیل و برخی از حوادث و اتفاقات اجتناب ناپذیرند ولی در صنعت نفت مثل آلودگی صوتی کشتی ها در بنادر.

برخی از آثار زیست محیطی فعالیتهای نفتی و اصطلاحاً قابل اغماض نیست مثلاً اگر ما بخواهیم از یک رودخانه ای ماهی بگیریم و دوست نداشته باشیم لباسمان خیس شود و مثلاً در مرحله اکتشاف نفت نیاز به نقشه برداری و خاک شناسی و ... خواهیم داشت و عملیات لرزه نگاری با آلودگی صوتی همراه خواهد بود . اما بعضی از آلودگی ها همراه و همگام با فعالیت ها نیست مثلاً آلودگی شدید ناشی از تخلیه ی عمدی نفت در دریا یک اثر زیست محیطی اجتناب ناپذیر نمی تواند باشد . پس از این لحاظ ما تقسیم بندی می کنیم به اجتناب ناپذیر و اجتناب پذیر.

تقسیم بندی از لحاظ ویژگی ها : ۱- کوتاه مدت و بلند مدت ۲- اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیر ۳- مستقیم و غیر مستقیم .

یک تقسیم بندی دیگری هم در مورد آثار زیست محیطی وجود دارد که معیار حقوقی است . از لحاظ حقوقی خسارات آثار آلودگی های نفتی : ۱ جبران پذیر ۲- خسارت جبران ناپذیر .

برخی از آلودگی ها جبران پذیر است ، خسارات جبران ناپذیر مثل آلودگی های نفتی (نشت نفت) ، از بین رفتن گونه ای نادر از جانوران دریایی .

-جبران خسارت سه حالت دارد : ۱- عین ۲- مثل ۳- قیمت . درباره جبران خسارت زیست محیطی ناشی از نفت بدین منوال که میشود احیا کرد دوباره مثلاً درخت را دوباره کاشت (مثل) و جبران خسارت زیست محیطی بسیار مشکل است

، در جبران به عین و بعضی از خسارات زیست محیطی غیر قابل جبرانند و اعاده یوضع به حالت سابق فراهم نیست .

جبران خسارت زیست محیطی از منظر حقوقی : ۱- جبران پذیر ۲- جبران ناپذیر

در مورد خسارت زیست محیطی اعاده ی وضع به سابق امکان پذیر نیست یا در بسیاری از موارد سخت است و جبران به مثل یا قیمت (قیمت) آن صورت می گیرد .

-از لحاظ اهمیت اثر : ← خسارات زیست محیطی را در ۵ سطح دسته بندی می کنیم :

۱- خسارات زیست محیطی بسیار مهم مثلاً انفجار سکویی در خلیج مکزیک

۲- مهم

۳- نسبتاً مهم

۴- کم اهمیت

۵- بی اهمیت

-از لحاظ استانداردهای HSE میزان خسارات زیست محیطی به ۵ دسته (درجه) تقسیم بندی می کنند و معمولاً با یک رنگ مشخص می کنند از سبز تا تیره یا سیاه . و بر اساس آثار آلودگی زیست محیطی فعالیتهای نفتی در ۴ جنبه ی ۱- انسانی ۲- اموال ۳- محیط زیست ۴- اعتبار شرکت دسته بندی می شود.

۱- وضعیت صفر وضعیت گرین (سبز) : اگر یک شرکتی به گونه ای فعالیت بکند که به اکتشاف و صادرات و واردات نفت و... که هیچ خسارت به افراد انسانی و اموال انسان و محیط زیست و اعتبار شرکت وارد نکند ما به این شرکت می گوئیم گرین یعنی هیچ خسارتی به این ۴ فاکتور وارد نشده و وضعیت سبز است .

۲- سطح دوم که از سبزی این رنگ کاسته می شود لطمه بسیار جزئی به افراد انسانی و اموال و اثر جزئی به زیست محیط می زند یک مقدار اعتبار شرکت تحت تأثیر قرار می گیرد در بازار .

۳- سطح سوم: وضعیت زرد در این جا بر اساس ۴ فاکتور خسارت کوچک به افراد، اموال و اثر کم و محدود به محیط زیست و اثر منفی و محدود به اعتبار شرکت وارد می شود.

اگر خسارات به ماهیها جزئی از بین بروند سطح دو اگر خسارات کم باشند سطح زرد می باشد و در محیط زیست یک قواعدی داریم که همه چیز در یکدیگر اثر می گذارد.

سطح سوم وضعیت آبی است در این جا لطمه عمده ای به سلامت اشخاص وارد می شود خسارت به اموال و قلمرو آن منطقه ای است و اثر منطقه ای هم به محیط زیست آن منطقه وارد می شود و اثر قابل توجهی به اعتبار شرکت وارد می شود. مثلاً در منطقه لاوان لطمه ای زیادی وارد شود. (طبق ۴ فاکتور)

سطح ۴ وضعیت قرمز از لحاظ وضعیت انسانی یک نفر فوت کند. از لحاظ آسیب به اموال خسارات عمده و فرا منطقه ای از خود به جای می گذارد و از لحاظ زیست محیطی اثر عمده به جای می گذارد و اعتبار شرکت اثر منفی کشوری به جای می گذارد.

سطح آخر سطح سیاه می باشد اثر آلودگی زیست محیطی به گونه ای است که چند نفر فوت ← می کنند و طبق فاکتور دوم (اموال) خسارت بسیار عمده ای حاصل می شود طبق فاکتور سوم اثر عمیق و پایداری بر محیط زیست بر جای می گذارد و از لحاظ اعتبار اثر منفی بین المللی بر شرکت بر جای می گذارد مثلاً در قضیه انفجار سکوی نفتی خلیج مکزیک بر شرکت شل تأثیر می گذارد.

- تفاوت بین سطح ۴ و ۵ ← در سطح ۴ اثرات عمیق و دیر پا هستند مثلاً در جنگ نفت که متعاقب آن کمیسیون گرامات سازمان ملل تشکیل شد برای رسیدگی به دعوی اشخاص علیه عراق و مطالبه ی خسارات وارده جنگ (بخشی از خسارات آلودگی نفتی بودند) که کمیسیون یک مرور زمانی را مشخص می کند برای اقامه ی دعوا برای ارائه دادخواست همه قربانیان (ظرف ۳ سال) استثناً کمیسیون گرامات سازمان ملل متحد اجازه می دهد در مورد خسارات زیست محیطی افراد در واقع

اجازه داشته باشند مرور زمان را تا ۷ سال (اجازه داشته باشند) اقامه دعوا کنند و خسارات زیست محیطی می تواند اثر عمیق و دیرپا داشته باشد اگر خسارات زیست محیطی به گونه ای باشد که اثر آن در طول زمان مشخص شود می توانیم بگوییم که اثر عمیق بوده است (سطح ۵) مانند (تخریب لایه اوزون). فعالیت های زیست محیطی مرتبط با صنعت نفت می توانند آثار زیانبار محیط زیست طبیعی و انسانی از خود بر جای گذارند (آثار منفی)

اثرات اساسی آلودگی نفت ← تخریب محیط زیست دریایی - ناپایداری حیات اکوسیستم های دریایی که به هم وابسته اند - از بین رفتن منافع ساحل نشینان جوامع ماهیان (تعداد ماهیان)، از بین رفتن جنگلهای مانگرو و از بین رفتن سایر گونه های جانوری و پرنده هایی که غذایشان وابسته به دریا است و از بین رفتن صنعت توریسم (یکی از خسارات مستقیم و غیر مستقیم می باشد).

- اصل بنیادین در محیط زیست ← دست کاری در یک قسمت از محیط زیست آثار بسیار زیادی از خود در قسمت های دیگر به جا می گذارد (اثر پروانه ای) گرمایش جهانی موجب از بین رفتن اکوسیستم قطب می شود از بین رفتن یخ موجب از بین رفتن سکونتگاه خرس قطبی به معنای افزایش گونه ای از آبزیان و ... اینها همه بر هم تأثیر می گذارد.

(صنعت نفت تقریباً تمام آلودگی های زیست محیطی را به همراه دارد و ابعاد بسیار زیادی دارد)

- دغدغه های مربوط به مواد غذایی بسیاری از مردم جهان به خصوص ساحل نشینان حیات آنان وابسته به غذای دریایی است و آلودگی دریایی به معنای تهدید کردن منافع ساحل نشینان است مخصوصاً اگر به صورت دیرپا در چرخه ی مواد غذایی انجام پذیرد.

- دسته ای وسیع از آثار زیست محیطی مربوط به صنعت نفت را می توان اشاره کرد.

اثرات منفی :

- ۱- آلودگی آب - آلودگی منابع آبی ← رودخانه ها در اثر نشت نفت را می توان اشاره کرد کاهش اکسیژن آب در اثر نشت نفت
- ۲- آلودگی هوا مثل گرد و غبار حاصل از فعالیت و دودهای حاصل از انفجار حاصل از اکتشاف ۳- آلودگی صوتی که معمولاً ناشی از انفجار می باشد
- ۴- زیستی مثلاً عبور خط لوله ی انتقال نفت می تواند باعث قطع مسیر تردد حیات وحش می شود ۵- فرسایش و آلودگی خاک مثل آلودگی خاک با مواد نفتی و یا تخریب اراضی فرسایش است ۶- آلودگی نوری مثلاً سوزاندن نفت و گاز یا پوشش گیاهی ممکن است در مرحله ی اکتشاف و حفاری و ... از بین برود یا تغییر کاربری در اراضی نیز شاهد هستیم
- ۸- آلودگی بصری: تخریب چشم اندازها و آلودگی سواحل به خاطر نشت نفت
- ۹- آلودگی شیمیایی: نشت مواد شیمیایی کشتی های حامل نفت در دریا و یا نشت مواد سنگین مثل سرب، جیوه و ... و سامانه های ضد خزه (ضدخزه) در نفتکشها
- ۱۰- پسماندها، پسماندهای حاصل از فعالیت های نفتی

فصل دوم - مبانی

مبانی به مباحث بنیادین حفظ محیط زیست می پردازد و نسبت انسان و طبیعت را از لحاظ فلسفی بررسی می کند.

انگاره های فلسفی - اخلاقی در صنعت نفت

طبیعی است که در میان صنایع، صنعت نفت به عنوان یک صنعت پیشگام اثرات زیست محیطی جبران ناپذیری را ایجاد کرده است و نقش اصلی را در قرون اخیر از زمان اکتشاف آن در ایجاد برخی از بحرانهای زیست محیطی داشته است.

تبیین رابطه ی انسان با طبیعت نقش بسیار مهمی در تبیین جایگاه محیط زیست در صنعت نفت خواهد داشت. اینکه تا چه اندازه به مسائل زیست محیطی در فرآیند ایجاد و توسعه ی نظام حقوق نفت و گاز اهمیت داده می شود منوط به تبیین اهمیت رابطه ی انسان با طبیعت است. توجه انسان به طبیعت از همان سالهای نخستین حیات انسان مورد توجه بوده و بخشی از میراث فکری - فلسفی ما در واقع محصول فلسفه ی طبیعت است.

در سیر تحول فلسفی ما می توانیم در مورد نسبت انسان با طبیعت از روابط متعدد انسان صحبت کنیم. این رابطه را می توانیم در ۵ دسته ی مختلف دسته بندی کنیم. رابطه ی انسان با انسان، رابطه ی انسان با خود و رابطه ی انسان با طبیعت، طبیعی است که اگر در برداشت نخستین حقوق را به علم حاکم بر روابط انسان بادیگری تقسیم کنیم، رابطه ی انسان با انسان را حقوق خصوصی تنظیم می کند و رابطه ی انسان با دولت یا دولت با دولت را حقوق عمومی تنظیم می کند و رابطه ی انسان با خدا در جوامع ذیل عنوان حقوق الهی قرار می گیرد و رابطه ی انسان با خود کمتر موضوع حقوقی است و بیشتر موضوع علم النفس بوده و مطالعات انسانی و شکل گیری رابطه ی انسان با طبیعت که در واقع این قسمت موضوع حقوق محیط زیست قرار می گیرد.

باید دید از لحاظ اخلاقی چه روابطی بین انسان و طبیعت حاکم است آیا می توان یک دیدگاه اخلاقی خاص را در این زمینه پذیرفت و دیدگاه های مختلفی که در

این زمینه وجود دارند در واقع چه بخشی را برای ما به ارمغان می آورند. معمولاً این مطالعات قلمرو ای در حوزه ی علوم انسانی شکل داده به نام فلسفه ی محیط زیست یا اخلاق محیط زیست که در آنجا دغدغه مهم تبیین نظام اخلاقی فلسفی و حقوقی روابطی است که انسان با عناصر طبیعت برقرار می کند.

رویکرد تاریخی

از لحاظ تاریخی، تاریخ هم همواره حکایت از روابطی دارد که انسان با طبیعت داشته، منتها در یک برهه ای تاریخی مخصوصاً عصر روشنگری و انقلاب صنعتی، نوع رابطه ی انسان با طبیعت کمتر حقوقی است و بیشتر رنگ فلسفی و اخلاقی دارد. برای اینکه این موضوع تبیین شود ما می توانیم از ۴ دوره ی متفاوت صحبت کنیم. در این ۴ دوره در واقع ملاحظات زیست محیطی مورد توجه انسانها و دولتها بوده است.

۱- انسان مقهور و ناتوان

دوره ی اول دوره ای است که انسان مقهور طبیعت است این دوره از پیدایش انسان و بشر بر روی کره ی زمین مصادف است و تا عصر ایجاد تمدن های بزرگ ادامه پیدا می کند. بزرگترین ویژگی این دوره این است که انسان مقهور طبیعت است و در این دوره انسانها به دلیل نداشتن تکنولوژی ها و ابزارهای پیشرفته معمولاً در برابر حوادث طبیعی و حتی در برابر جانوران آسیب پذیرند دخالت های انسانی هم بسیار محدود است و طبیعت و محیط زیست کمتر آسیب می بیند و اگر هم احتمالاً انسان تغییراتی در محیط زیست انجام دهد از طریق چرخه ی عادی طبیعت ترمیم می شود. این دوره را در دوره ی غارنشینی می توان پیدا کرد و از ریشه ی وحش در این دوره شکل می گیرد و انسانها از حوزه های اطراف شهرها وحشت داشتند و جنگل های اطراف شهرها یک سازواره ای وحشتناک تلقی می شد این دوره چندان مسائل زیست محیطی مطرح نیستند.

۲- انسان ستیزه جو

تا اینکه کم کم ما وارد دوره ای می شویم که انسانها با افزایش جمعیت و کشف آتش و ساخت ابزارهای ساده مثل نیزه و کشف دانه در به کنترل گرفتن طبیعت،

جدال با طبیعت را شروع می کنند و انسان غارنشین بر نیروهای طبیعت غلبه می کند البته گاهی پیروز است و گاهی شکست می خورد. بنابراین رابطه ی انسان و محیط زیست در این دوره انسان طبیعت را به عنوان یک منبع و یا کالا و یا یک دشمن تلقی میکند و نخستین تلاش ها هم در واقع برای ابزار سازی و ویژگی این دوره است و انسان با طبیعت در حال رقابت (کشف آتش و کشاورزی) است تعداد انسانها محدود است و انسان در تلاش برای کنترل طبیعت است. این دو دوره بخش عمده ای از رابطه ی انسان با محیط زیست را تشکیل می دهند و از لحاظ ملاحظات آکولوژیکی خیلی برای ما اهمیت چندانی ندارد زیرا دوره ای است که محیط زیست تغییرات عمده ای و عمیق و وسیعی را تجربه نمی کند اما دو دوره ی بعد اهمیت بسیار زیادی دارد .

۳-انسان فاتح

کم کم شاهد این هستیم که با دستیابی بشر و دولتها به علم و تکنولوژی های بیشتر و توسعه ی ابزارها نیروهای طبیعی تحت کنترل بشر در می آیند این دوره مشخصاً با اختراع ماشین بخار و شروع انقلاب صنعتی در اروپا مصادف است به گونه ای که با پیشرفت علم و فناوری طبیعت را مقهور خود کرده و عصر انسان فاتح زمین است.

بعد از انقلاب صنعتی دولتها توانستند با مدد فناوری های نوین راههای مهار طبیعت و غلبه بر آن به گونه سریع و باور نکردنی کشف کنند در این میان نوع اندیشه حاکم بر اروپای بعد از انقلاب صنعتی هم بی تأثیر نبود. انگاره های فلسفی و فکری مبتنی بر اصالت عقل البته **عقل بورژوازی** و اصالت وجود تحت تأثیر **فلسفه دکارت** و بویژه آموزه های اصالت مصرف و اصالت سود آن گونه که در اقتصاد کلاسیک انگلستان تبلیغ می شد.

همین امر یعنی سرعت انقلاب صنعتی در اروپا ضمن این که توانست طبیعت را مقهور خود کند در واقع به طبیعت برتری پیدا کند باعث شد که جمعیت انسانها

در مرکز شهرها متمرکز شود و مسائل زیست محیطی جدیدی به وجود آورد. این دوره با اکتشاف نفت به اوج خود رسید. حاصل یکی از تکنولوژیها اکتشاف نفت است و به دنبال آلودگی های آب، خاک، صوت، هوا و ... است وقتی انسان توانست نفت را کشف کند که تأثیرات شگرفی در جوامع داشته و شاهد این هستیم که رابطه ی انسان با طبیعت که قبلاً بسیار محدود بود یک رابطه ی نابرابر به نفع انسان بشود.

دولتها این امکان را پیدا می کنند که با قدرت ماشین و تکنولوژی در محیط زیست پیرامون خود تصرف کنند و با مهار طبیعت و منابع طبیعی بسیار استفاده کنند و نتیجه ی این وضعیت و برهم خوردن توازن اکولوژیک بود. مهمترین ویژگی این دوره این است که دولتها می توانند با تکیه بر ابزار و تکنولوژی بر طبیعت تسلط پیدا کنند.

در گذشته اگر انسان به محیط زیست ضرر می زد یا محدود بود یا اکوسیستم، آن را ترمیم می کرد، انسان مقهور طبیعت بود و شکل گیری صنعت نفت و گاز، استخراج منابع طبیعی زمین مثل نفت و زغال سنگ و گاز یکی از نشانه های این دوره است. کم کم استخراج منابع طبیعی زمین مثل نفت و زغال سنگ و گاز از لحاظ اکولوژیکی بی رویه می شود که باعث آلودگی آب، خاک، هوا و ورود گازهای آلاینده در محیط زیست و تولید پسماندهای خطرناک و ... می شود و باعث باران اسیدی و تغییرات آب و هوایی و نابودی جنگلها و سوانح شیمیایی و تخریب لایه ی ازن و حاصل برتری انسان بر طبیعت است که ابزار این دوره گسترش تکنولوژی ها نوین است.

سلطه ی انسان بر طبیعت در این دوره ناشی از یک سری روندهای فکری بود که از اروپا آغاز شد و در سایر مناطق رسوخ پیدا نمود. اصالت انسان بود که انسان محوری و منافع انسانی ارزش بنیادین دارد و هدف از کنترل محیط زیست تأمین و حمایت از انسان و منافع انسانی است و این انسان است که ارزش دارد و این علایق و اهداف انسان است که موضوع دارای اخلاقی قرار می گیرند.

در این نگاه محیط زیست ابزار و در اختیار انسان است برای تأمین منافع دولت و انسان و آنچه که اهمیت دارد این است که باید انسان محیط مناسب برایش فراهم شود در مقابل این نظر دیدگاههای طبیعت محور را داریم ، **اصالت ذهن و عین دکارتی** ← جدایی انسان و طبیعت را به ارمغان می آورد و انسان را به عنوان موجود شناسایی و طبیعت متعلق شناسایی قرار می گیرد و آنچه غیر از انسان است انسان ارزش گذاری اخلاقی می کند. این هم بی تأثیر نبود .

اصالت فایده و اصالت عقل و اصالت مصرف گرایی بیهوده همه اینها در این دوره است نضج می گیرند و بر بر غلبه انسان بر طبیعت و ایجاد بحران محیط زیست در سالیان بعد تأثیر می گذارند.

۴- عصر اکولوژی

اما در مقابل این نگاه که نگاه غالب اروپای عصر روشنگری است و هم چنین مصادره این نظرات و شکل گیری اقتصادهایی که اساساً کنترل طبیعت برای آنها جنبه ابزاری داشت و ماکزیمم کردن سود به عنوان یک هدف بنیادین و فراموشی نظام واره های اکولوژیک به عنوان هدف اساسی بود، باعث شد که در مقابل این نظرات نقدهایی وارد شود ما شاهد نضج رویکردهایی که در واقع انسان را جزئی از طبیعت تلقی میکند از نظر محیط زیست گرایان منافع انسان با منافع طبیعت آمیخته است محیط زیست ارزش ذاتی دارد و نمی توان صرفاً منافع مادی دولتها و بشر را در نظر بگیریم، بلکه طبیعت نه تنها برای انسان و با انسان است بلکه فی النفسه ارزش مداراست .

رویکردهای طبیعت بنیان در واقع به دنبال نقد چنین نگاهی است این رویکردها فارغ از مزایا یا منافع انسان ما را به این نقطه رهنمون می کند که باید هر دو حوزه ی محیط زیست اعم از انسانی یا طبیعی مورد حفاظت قرار گیرد. طبیعت صرفاً از آن جهت که منافع انسانی به خطر افتاده آلودگی ها و مخاطرات ایجاد شده شایسته

حفاظت نیست، بلکه برای خود انسان و خود طبیعت باید حفاظت بشود و این اندیشه ها بعداً توسعه پیدا کردند و انسان محوری ابزاری را نقد کردند.

بنابراین ما شاهد نضج رویکردهای طبیعت بنیان هستیم لذا اگر صنعت نفت حاصل تفکر بهره برداری هر چه بیشتر از منابع زمین است اگر انسان بنیان است و به دنبال ماکزیمم کردن سود دولتها است از سوی دیگر ملاحظات زیست محیطی به دنبال محدود کردن این تفکرات هستند و چالشهای جدی بین ملاحظات زیست محیطی و توسعه در صنعت نفت و گاز وجود دارد.

- دو دسته اکولوژیستهای تیره و اکولوژیهای سطحی (سطح ← روشن) دسته بندی می کنیم .

- اکولوژیستهای تیره با صنعت نفت موافق نیستند و ناسازگارند و طرفدار ارزش ذاتی طبیعتند و معتقدند بعد از انقلاب صنعتی رابطه ی انسان با طبیعت یک رابطه ی یک سویه نابرابر و مبتنی بر استثمار است بنابراین باید اصطلاحات عمیقی در حوزه ی صنعتی و اجتماعی و ... انجام شود و این گروه درباره ی بهره برداری بی رویه از صنعت نفت معتقدند تهدیدی برای آیندگان است .

- اکولوژیهای روشن (سطحی) بیشتر حقوقدانان و اقتصاددانان و محافظه کاران در این گروهند و معتقدند که توسعه ی صنعتی یک واقعیت اجتناب ناپذیرست، بنابراین برای ما طبیعت و عناصر محیط زیست فارغ از اینکه برای ما چگونه هستند موضوع ارزش گذاری قرار می گیرند. بنابراین در این نگاه واقعیت جامعه ی مدرن شناسایی می شود. از نظر اینها ما ناگزیر به استفاده از صنعت نفت و توسعه ی آن هستیم و اینها می گویند ملاحظات زیست محیطی را در فرایند توسعه در نظر بگیریم.

از منظر اکولوژیستهای روشن اکولوژیستهای تیره غیر واقعی ارزیابی می کنند و مناسبات جدید را نگاه نمی کنند و اکولوژیستهای روشن واقع گرا و به دنبال مدیریت مسائل زیست محیطی اند لذا به دنبال ایجاد آرمان شهر زیست محیطی اند. طبیعی است بحران محیط زیست به عنوان یک واقعیت موضوع شکل گرفته البته ما

می توانیم یکی از سه ضلع مثلث را تکنولوژی و صنعت و جمعیت و الگوی مصرف بدانیم .

با تسلط انسان بر منابع نفت و گاز و استخراج و استحصال با سرعت نفت و گاز کم کم مسئله توجه به ملاحظات زیست محیطی به عنوان یک بحث اساسی مورد توجه دولتها قرار می گیرد و شاهد شکل گیری نهضت های فکری و فلسفی اجتماعی و اخلاقی هستیم برای این که بیاید رابطه ی انسان با طبیعت را مجدداً باز تعریف کند و ویژگی این دوره (چهارم) برتری انسان بر طبیعت است .

اما کم کم توجه به ملاحظات زیست محیطی از سال ۱۹۷۰ به بعد به مشابه ی گفتمان مطرح می شود در این دوره اکولوژیستها دنبال این هستند که انسان فاتح را تبدیل به شهروند زیستی کند و دولتها را مکلف به ملاحظات زیستی در فرآیند توسعه کنند که نام این دوره عصر تعامل اکولوژیک که انسان آگاه می شود عصر جدید که البته حاصل نشده و اکولوژیستها به دنبال فراهم کردن این دوره هستند در واقع ورود ملاحظات اکولوژیکی در صنعت نفت حاصل چنین تفکری است و این دوره ارمغان تلاش فکری و فلسفی اکولوژیستها است (دوره آشتی با طبیعت)

فصل سوم - پیشینه

اندکی در بحث فلسفی پیرامون پیشینه بحث کردیم. هرچند این گرایش حقوقی عمدتاً با وصف جوان بودن توصیف می گردد و لی فرآیند تکوین آن ریشه در برخی از حوادث و زمینه های تاریخی دارد. علاوه براین در مدت زمان شکل گیری این حقوق شاهد دگرگونی های شگرفی بوده است. تحول تاریخی حقوق محیط زیست را در پنج دوره می توان بررسی نمود. این دوره ها را تا انقلاب صنعتی (دوره اول)، از انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی دوم (دوره دوم)، از جنگ جهانی دوم تا استکهلم (دوره سوم)، از استکهلم تا ریو (دوره چهارم) و از ریو تا کنون (دوره پنجم) بررسی خواهیم نمود.

۱- از سپیده دمان تاریخ تا انقلاب صنعتی

در این دوره نمی توان صحبت از گرایش جدیدی به نام حقوق محیط زیست نمود. معاهدات و اسناد مشخصی نیز که به موضوع حمایت بین المللی از محیط زیست پرداخته باشند در این دوران یافت نمی شوند. تنها در این دوران می توان در آراء برخی از فلاسفه و نیز ادیان به لزوم احترام به طبیعت اشاره نمود. (ابراهیم نیا: ۱۳۸۳، ۱۲۲-۱۱۳) احترام به برخی از اماکن و نیز ممنوعیت تعرض به محصولات کشاورزی و حیوانات مفید در میان ملل مسیحی (ضیایی بیگدلی: ۱۳۸۴، ۲۴) احترام به حقوق حیوانات از قبیل حق نفقه حیوانات، حق حیات، بهداشت، تولید مثل و عدالت با حیوانات و ممنوعیت قطع درختان و نیز ممنوعیت آسیب به محیط زیست در خلال جنگ در میان مسلمانان از مهمترین مصادیق قواعد ناظر به حفظ محیط زیست می باشند. (ارسنجانی: ۱۳۸۱) در برخی از سنت های فلسفه محیطی^{۲۴} و به گونه ای پراکنده نیز کوشیده شده است تا ریشه های حمایت از طبیعت و اهمیت محیط زیست در زندگی انسانی را به دوران قدیم و حتی دوران آفرینش انسان پیوند دهند. برای نمونه بنوفو^{۲۵} در «آشتی انسان با طبیعت»^{۲۶} قائل به این رویکرد است. در نظر وی نابودی تمدن «مایا»^{۲۷} در سال ۸۰۰ میلادی دلیلی زیست محیطی (پاکتراشی جنگل) داشته است. (بنوفو: ۱۳۷۵، ۲ و ۱۴) بنابراین در دوران قدیم حمایت از محیط زیست بیشتر الهیاتی، اخلاقی، دینی و فلسفی بود و حفاظت و احترام به طبیعت از سوی انسان ها کمتر شکل «حقوق» به خود گرفته بود. (Gesbert: 1999,17-29 et Bocquet;2009,10-89)

۲- از انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی دوم

این دوره، زمینه ساز شکل گیری حقوق محیط زیست و برخی قواعد عرفی در قرن بیستم گردید. این دوره که با انقلاب صنعتی آغاز و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه دارد، شاهد دوره ای است که دولت ها به مدد تکنولوژی و دستاوردهای انقلاب

²⁴ . Environmental philosophy(En)/ philosophie de l'environnement(Fr).

²⁵ .Bonnefous

²⁶ . Réconcilier l'homme et la nature

²⁷ .Maya

صنعتی بر طبیعت تسلط یافتند. انقلاب صنعتی بر آیند سلطه دولت‌ها بر طبیعت و منابع طبیعی بود. حقوق بین الملل در این دوره به شدت، عقل گرا، سود بنیان، علم گرا، دولت - انسانگرا (آنتروپومورفیست) و مبتنی بر نفع متقابل بازیگران است. به همین سبب امروزه حقوق بین الملل محیط زیست پارادایم های حقوق بین الملل کلاسیک را نقد می نماید. آموزه های فلسفی این دوره یعنی اصالت علم، اصالت عقل، اصالت سود و سپس اصالت فرد و اصالت مصرف به یاری دولت‌ها شتافتند و فرآیند سلطه دولت بر منابع طبیعی و تخریب محیط زیست را تشدید نمودند. عموماً اکولوژیست‌ها سه مسئله افزایش جمعیت، الگوی مصرف و تکنولوژی و صنعت به عنوان موضوعات زمینه ساز بحران محیط زیست معرفی می نمایند که بعداً زمینه ساز شکل گیری حقوق بین الملل محیط زیست به مثابه پاسخی به این بحران‌ها گردید. معاهدات دوجانبه ماهیگیری میان برخی از کشورها به امضاء رسید که قواعدی را بر محدودیت بهره برداری از منابع وضع می نمود. در اواخر این دوران شاهد تصویب برخی از اسناد بین المللی مرتبط با حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی هستیم. از جمله می توان به کنوانسیون ۱۹۰۲ پاریس در خصوص پرندگان مفید در امر کشاورزی، کنوانسیون ۱۹۱۱ راجع به حفاظت از فک‌ها، کنوانسیون ۱۹۳۳ حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی آفریقا، کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن در مورد حفاظت از طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی اشاره نمود. همچنین برخی از رویه های قضایی دیوان های داوری در اواخر این دوره را نیز می توان نام برد که زمینه ساز تکوین حقوق بین الملل در سالیان بعد گردید. از جمله می توان به قضیه داوری فک های دریایی و قضیه کارخانه ترای (تریل اسملتر) در ۱۹۴۱ یاد نمود.

۳- از جنگ جهانی دوم تا استکھلم

در این دوره دولت‌ها، گام به گام به سمت صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش جمعیت رفته و به جبران ویرانی‌های بر جای مانده از دو جنگ پرداختند. در این دوره است که مسأله محیط زیست اهمیت می یابد. سه عامل اساسی موجب بیداری دولتها و توجه آنها به مسئله محیط زیست را فراهم نمود. نخست حوادث آلودگی

بویژه آلودگی دریایی نظیر حادثه غرق کشتی توری کانیون در ۱۹۶۷ بود. دومین مورد هشدار دانشمندان و سومین مورد نقش سازمان‌های بین‌المللی بود. در این دوره ما شاهد تأسیس سازمان ملل متحد هستیم. علاوه بر این برخی از بازیگران غیر دولتی نیز در زمینه مقابله با آلودگی در این دوره نقش ایفاء می‌نمایند. چند قضیه مهم در این دوره زمینه ساز قواعد زیست محیطی در سال‌های بعد گردیدند. از جمله آنها می‌توان به قضیه کانال کورفو در ۱۹۴۹ (اختلاف آلبانی و انگلستان) و قضیه دریاچه لانو در ۱۹۵۶ (اختلاف اسپانیا و فرانسه) اشاره نمود. شاخص‌ترین اسناد بین‌المللی این دوره در ارتباط با محیط زیست می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت

۲- معاهده ۱۹۶۳ در مورد منع آزمایش‌های هسته‌ای

۴- از استکهلم تا ریو

این دوره عصر شکوفایی و تولد حقوق زیست است. اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد دربارهٔ انسان و محیط‌زیست^{۲۸} (مشهور به اعلامیه استکهلم) نقطه عطف این گرایش حقوقی به شمار می‌رود. در این دوره شاهد برگزاری کنفرانس استکهلم هستیم. در ماده ۱ این اعلامیه حق بر محیط زیست مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی گوناگون با مأموریت‌های زیست محیطی از جمله برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ تأسیس می‌گردند. در این دوره شاهد تصویب منشور جهانی طبیعت هستیم. منشور آفریقایی حقوق بشر در ۱۹۸۱ حق محیط زیست را به مثابه یک حق جمعی مورد شناسایی قرار می‌دهد. در این دوره ما شاهد افزایش نگرانی‌های اکولوژیکی، تشکیل گروه‌های طرفدار محیط زیست نظیر صلح سبز^{۲۹}، برخی فجایع زیست محیطی نظیر حادثه توری کانیون و آموکو کادیز،

^{۲۸}. Déclaration de Stockholm sur l'environnement humain adoptée par la Conférence des Nations Unies sur l'environnement humain (Stockholm, Suède-16 juin 1997).

^{۲۹}. Greenpeace France

حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل و انفجار کارخانه یونیون کارباید در بوپال هند، فاجعه نفتی اکسون والدز در آلاسکا و همچنین غرق کشتی دلاور رنگین کمان^{۳۰} (دار بی شر: ۱۳۶۹، ۱۴۱) در ۱۹۸۵ هستیم.

سال تولد محیط زیست ۱۹۷۰ ← ما در این دوره شاهد شکل گیری مفهوم شهروند زیستی یا دولتهایی که باید فرایند تکنولوژیهای مسئولیتها تکالیف و حقوق توأمان انسانها و دولتها به عنوان گروهها یا شهروندانی که در زمین زندگی می کنند را یادآوری می کند و نام آن مسئولیت اکولوژیکی دولتها کم کم دانشمندان اخلاق و فلاسفه و حقوقدانان ضروری است رابطه ی انسان با طبیعت تعریف شود و در برخی حوزه ها مثل استحصال منابع طبیعی به معنای آسیب به منابه انسانی و آیندگان تلقی می شو (توسعه ی پایدار) بزرگترین ارمغان محیط زیست بعد از سال ۱۹۷۰ برای انسان و محیط زیست این است که در واقع می خواهند انسانها را به آثار و عواقب زیانبار مداخله ی بی حد و حصر انسان بر طبیعت آگاه کنند . (اصل آگاهی اکولوژیکی) .

بنابراین این ملاحظات فکری می خواهد با طراحی یک نظام محیط زیست صنعت تکنولوژی در معنای عام و صنعت نفت در معنای خاص را مقید و محدود به رعایت ملاحظات زیست محیطی بکند بنابراین یکی از ویژگی های بنیادین قواعد و مقررات و استانداردهای زیست محیطی در صنعت نفت ایجاد محدودیت است به مثابه ی یک ترمز عمل می کند برای دستگیری از خسارتهای زیست محیطی علم و تکنولوژی مدرن را دسته بندی می کنیم برخی از علوم عمومی هستند که به نفع محیط زیست هستند و در راستای محیط زیست (گرین تکنولوژی) و طبیعی است که نگاه به این علوم مثبت است مثلاً تکنولوژی که به حفاظت گونه های حیوانی و

^{۳۰} ماجرا مربوط است به غرق کشتی موسوم به دلاور رنگین کمان Rainbow Warrior متعلق به هوادارن محیط زیست (صلح سبز) در بندر اوکلند در دهم ژوئیه ۱۹۸۵ که در اعتراض به آزمایش های هسته ای فرانسه در اقیانوس آرام اتفاق افتاد. این حادثه منجر به کشته شدن یکی از سرنشینان آن به دست مأموران مخفی اداره کل امنیت خارجی فرانسه گردید و انتقادات بسیاری را بر دولت پر ددرسر فرانسوا میتران از سوی رسانه های گروهی، طرفداران محیط زیست و افکار عمومی وارد نمود.

جانوری می پردازد دسته دوم تکنولوژی ها و صناعی هستند که آلاینده هستند و مضر به محیط زیست هستند طبیعی است که نگاه به حقوق محیط زیست ممنوع و محدود کننده است. مثلاً اگر یک نفر در گذشته با تبر می توانست به قطع درختان پردازد در یک دوره اره برقی و در دوره ی بعد ماشین هایی که می تواند به سرعت درختان زیادی را قطع کند. (آنتی گرین)

دسته ی سوم تکنولوژیهایی در مورد آثار و عواقب زیست محیطی آنها ما عدم قطعیت داریم نمی دانیم تا چه اندازه به نفع و یا به ضرر ماست رویکرد محیط زیست احتیاطی است یعنی ممنوع نمی کند، تجویز با احتیاط می کند. تکنولوژی های صنعت نفت و گاز در کدام دسته اند؟ صنعت نفت و گاز یک صنعت آلاینده (آلاینده) است (نظریه ی دوم یا سوم).

در این دوره شاهد تدوین و تصویب برخی از اسناد مهم حقوق بین الملل محیط زیست هستیم که از جمله مهمترین آنها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کنوانسیون بن ۱۹۷۹ در خصوص حفاظت از گونه های مهاجر وحشی
- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها
- کنوانسیون ۱۹۸۵ ژنو در مورد حفاظت از لایه ازن
- پروتکل مونترال ۱۹۸۷ مربوط به مواد کاهنده لایه ازن
- کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در مورد حمل و نقل فرامرزی فضولات خطرناک و تخلیه آنها

۵- از ریو تا کنون

اعلامیه ریو از اسناد تصویبی کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه^{۳۱} بود. این اعلامیه دومین متن بنیادین و مشهور در زمینه حمایت از محیط

³¹ . United Nations Conference on Environment and Development (UNCED).

زیست است که با دغدغه توسعه پایدار و براساس گزارش ۱۹۸۷ خانم برونتلند تقریر گردید. در این اعلامیه بر « پیوستگی و تجزیه ناپذیری توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست در چارچوب اصل توسعه پایدار و غیر قابل قبول بودن انفکاک این دو به رسمیت شناخته شد». (حبیبی: ۱۳۸۲، ۱۳۳) بعد از ریو حقوق بین الملل محیط زیست شاهد تحول چشم گیری است. اسناد بخشی فراوانی در حوزه های گوناگون محیط زیست به تصویب رسیدند. ورود مسائل محیط زیست در سطح ملی، موضوع مهم تغییرات آب و هوایی و سوراخ شدن لایه ازن، ابعاد جدید تغییرات ژنتیکی و رشد رویه قضایی بین المللی و نیز حوادث اکولوژیکی متعدد^{۳۲}، مهمترین ویژگی این دوران است.

^{۳۲} . از جمله می توان به مواردی چون انفجار کارخانه AZF در تولوز فرانسه در سال ۲۰۰۱، انفجار کارخانه پتروشیمی چین در ۲۰۰۵، حوادث هسته ای مایل آیلند آمریکا در ۱۹۷۹، چرنوبیل اوکراین در ۱۹۸۹، فوکوشیمای ژاپن در ۲۰۱۱، حوادث آلودگی نفتی مانند توری کانیون ۱۹۶۷، آموکو کادیز ۱۹۷۸، اکزون والدز ۱۹۸۹، اریکا ۱۹۹۹، پرستیز ۲۰۰۲ و خلیج مکزیک ۲۰۱۰ اشاره نمود.

بخش دوم - اصول و منابع حقوق محیط زیست در صنعت نفت

فصل اول - اعمال اصول حقوق محیط زیست در صنعت نفت

در ادبیات حقوق محیط زیست اصول و مفاهیم پایه ای در اسناد و رویه‌ها شکل گرفته اند که منشا ایجاد، توسعه و ابزار تفسیر قواعد این حوزه هستند. بنابراین منظور از اصل قواعد عمومی و کلی هستند که در حوزه ی حقوق محیط زیست شایع هستند برخی از اینها در قالب یک تعهد زیست محیطی خود را نشان می دهند این قواعد به صورت هنجار عمومی خود را نشان می دهند البته وقتی از اصل صحبت می کنیم در حوزه های مختلف علوم در واقع خود حقوق کاربردهای گوناگون و متفاوتی دارند.

برخی از این اصول مشترک بوده و ریشه در اصول سنتی حقوق بین الملل دارند و برخی دیگر نیز مختص حقوق محیط زیست هستند. از اصول مشترک می توان به اصل وفای به عهد، اصل رضایت، اصل حاکمیت، اصل جبران خسارت و از اصول خاص می توان به اصول پیشگیری، احتیاطی، توسعه پایدار، مسئولیت مشترک اما متمایز، همکاری، پرداخت توسط آلوده ساز، استقاده غیر خسارت بار از سرزمین، اطلاع رسانی و یکپارچگی اشاره نمود.

۱- اصل وفای به عهد

به موجب این اصل بنیادین^{۳۳} حقوق معاهدات، رعایت تعهدات ناشی از کنوانسیون های بین المللی ضروری است. تعهدات زیست محیطی بین المللی نیز از این اصل کلی تبعیت می نمایند. ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین لزوم پایبندی طرفین معاهده و اجرای با حسن نیت آن تصریح دارد.

۲- اصل رضایت

اصل رضایت ریشه در احترام به اراده آزاد کشورها در حقوق بین الملل دارد. به همین سبب در مورد تعهدات قراردادی، کشورها از آزادی پذیرش یا عدم پذیرش تعهد را دارند. بر این اساس مطابق این اصل، پذیرش تعهدات زیست محیطی بین المللی قراردادی منوط به رضایت کشورها است.

³³ . Pacta sunt servanda

۳- اصل پیشگیری

پیشگیری قاعده طلایی یا گلدن رول در حفاظت از محیط زیست است. سیاستهای پیشگیرانه در حقوق محیط زیست مهم است زیرا جبران خسارتهای زیست محیطی بعد از وقوع خسارت دشوار است و سیاستهای پیشگیرانه ضمن اینکه نفی نمی شوند اما در الویت حقوق محیط زیست نیستند و دولتها باید اقداماتی انجام دهند که زمینه ی ایجاد خسارات زیست محیطی کاهش بیاید .

← BAT بهترین تکنیک های در دسترس (مقرون به صرفه)

اصل پیشگیری در اسناد بین المللی و حقوق ملی نشان داده شده ماده ی در کنوانسیونهای مختلف هم اصل پیشگیری به عنوان یک تعهد عام از دولتها درخواست شده است تعهدات زیست محیطی در کنوانسیونهای بین المللی دو دسته اند : ۱- عام و خاص ۲- تعهد پیشگیری جزء تعهدات عام دولتها است.

۴- اصل حمایت و حفاظت

اصل حمایت و حفاظت بسیار قدیمی است و فرابخشی است و تمام حوزه های از جمله حمل و نقل ... در بر می گیرد این تعهد صرفاً ناظر به تعهد دولت هم نیست بلکه این تعهد عمومی و خصوصی است و افراد هم تعهد دارند چنین اصل ۵۰ ق اساسی و مشهورهای محیط زیست در این زمینه تأکید دارند .

۵- اصل پرداخت توسط آلوده ساز

یکی از اصل های مهم اصل پرداخت توسط آلوده ساز است و در صنعت نفت کاربرد زیادی دارد. این اصل را بیشتر توضیح می دهیم. ، مطابق برداشت اولیه در واقع شخص آلوده کننده (عامل) مکلف هزینه ها و خسارات آلودگی را جبران و تقبل کند و این اصل در آلودگی های نفتی هم بسیار پر کاربرد می باشد. این اصل صرفاً تلقی ابتدایی حقوقی از این اصل مد نظر نیست طبیعی است طبق قواعد اولیه و ابتدایی حقوق هر کس منجر به آلودگی شود باید از عمده ی خسارت وارده برآید

اما آن چیزی که از این اصل مهم است و مرتبط با محیط زیست می باشد این است که اصل پرداختن توسط آلوده ساز به دنبال درونی کردن هزینه های بیرونی زیست محیطی .

-برخی از کالاهای زیست محیطی کالاهایی عمومی اند که بعضاً مصرف کنند در جریان تبادل اقتصادی کالا هزینه های اقتصادی آن پرداخت نمی کند و دولت در چارچوب مالیات از مصرف کننده پرداخت می کند . این اصل از دولتها می خواهد اکس نارلیتی های بازار را در هزینه های تولید کالا سرشکن کند و درونی کند نمونه های آن درباره ی پسماندهای ظروف یکبار مصرف و معاهده ماستریخت هم به این اصل اشاره می کند .

-این اصل (اصل پرداخت توسط آلوده ساز) یک مفهوم حقوقی صرف نیست و از دولتها می خواهد که با وانمودن تعهد ، چون بخش عمده ای از کالاهای زیست محیطی کالاهایی اند که در واقع عرصه ی فعالیت کسانی هستند که در ازای آلودگی محیط زیست هزینه ای را پرداخت نمی کند از دولتها می خواهد که این هزینه ها را درونی کند .

Exeternality: عوارض آثار زیست محیطی یک فعالیت است .

مثلاً اگر یک پمپ بنزین احداث شود ممکن است آثاری زیانبار زیست محیطی برای اطرافیان داشته باشد در چارچوب حقوقی اگر این خسارات به صورت مستقیم به اموال اشخاص وارد شود تا قیمت مشخصی دارند موضوع بغرنج نیست .

از نگاه اقتصادی عوارض بیرونی دو دسته اند : ۱- مثبت ۲- منفی

اگر ما در مزرعه ی گل کارگاه پرورش زنبور عسل داشته باشیم و این زنبورها از گلها استفاده کنند عوارض بیرونی مثبت است . بدون اینکه هزینه ای پرداخت کنند از گلها استفاده کرده و عسل تولید می کنند .

اما بعضی عوارض بیرونی منفی است مثلاً خودرویی در تهران در حال تردد است و آلودگی تولید می کند این آلودگی منجر به سرطان می شود . هوا یک منبع عام است که آلودگی در آن تخلیه می شود اگر ما از این کار گاز زنبور و کارخانه اتومبیل عوارض دریافت کنیم در واقع عوارض بیرونی را درونی کرده ایم . منتها

چون برخی از منابع زیست محیطی عام هستند معمولاً محیط زیست مخصوصاً در یک اقتصاد آزاد (یکی از دلایل موجه ی دولت در اقتصاد آلودگی های زیست محیطی است به مثابه ی منبعی است که افراد در ازای آلودگی آن چیزی پرداخت نمی کنند یک منبع عام است . این اصل در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی و حتی منابع ملی به کرات تکرار شده است و در مورد آلودگی های نفتی بسیار مصداق دارد . مثلاً جایی که یک دستگاه آلودگی خود را در دریا وارد میکند و در ازای آن حاضر به پرداخت نیست (عوارض بیرونی است) .

۶- اصل توسعه پایدار

این اصل در عام حقوق محیط زیست برخلاف موارد قبلی در چارچوب یک تعهد ظاهر (قاعده) نشده اما این اصل محور بسیاری از مباحث زیست محیطی بعد از ۱۹۹۰ بعد از اعلامیه ی ریو مورد مباحث حقوق محیط زیست می باشد اما به مشابه یک تعهد (قاعده) هنوز مطرح نیست و الزام حقوقی و مشخصی ندارد و یک مفهوم بنیادین.

مطابق این اصل ما توسعه ای را پایدار می گوئیم که به معنای توانایی نسل حاضر برای تأمین نیازهایشان بدون اینکه ظرفیت نسل آینده ی دیگر مردمان را در برآورده کردن نسلشان به خطر اندازد. قسمت اول تعریف عدالت یا انصاف درون نسلی در بهره مندی از منابع و به قسمت گزاره ی تعریف انصاف بین نسلی است و این اصل هم در حوزه ی نفت و گاز کاربرد دارد چه در بهره برداری از منابع و چه در ملاحظات زیست محیطی.

در بحث توسعه ی پایدار موضوع حقوق نسلهای آینده را داریم و اینکه تا چه میزان از منابع انرژی و تا چه منبعی استفاده کنیم تا انصاف بین نسلهای از بین نرود چون موضوع انرژی با هر سه گزاره ی توسعه ی پایدار ارتباط پیدا می کند.

۷- اصل احتیاطی

اصل احتیاطی در ماده ۱۵ ریو مورد شناسایی قرار گرفته برخی از فعالیت ها وجود دارند که ما عدم قطعیت علمی داریم. به موجب اصل احتیاطی باید در فرآیند توسعه

با حزم و احتیاطی بیشتری عمل نمود بویژه در جایی که نسبت با آثار زیست محیطی یک فعالیت عدم قطعیت علمی وجود دارد

۸- استفاده غیر خسارت بار از سرزمین

این اصل حاصل توسعه اصل قدیمی حاکمیت در حقوق عمومی است. حاکمیت ناظر به قلمرویی است که دولت در آن صلاحیت انحصاری دارد. به موجب این اصل دولتها مطلعند که سرزمین خود را برای اهدافی به کارنگیرند که مغایر با حقوق دولتها باشد.

این مسئله هم در مورد آلودگیهای نفتی رودخانه ای پر کاربرد هست مثلاً کشور بالادست رودخانه حق ندارد با آلوده کردن رودخانه (با مواد نفتی) منجر به آسیب و خسارت به کشور پایین دست بشود. این اصل جنبه ی عرفی در حقوق بین الملل پیدا کرده.

همانطور که مسائل زیست محیطی صنعت دارای ابعاد ملی گسترده ای است و قبلاً اشاره کنیم نباید فراموش کنیم که آلودگی های ناشی از فعالیت های صنعت نفت و گاز ابعاد بین المللی یا فرا ملی می توانند به خود بگیرند. بنابراین اولاً مسائل زیست محیطی و آثار ناشی از آلودگی ها و تباهی های زیست محیطی تنها محدود به قلمرو یک سرزمین یک کشور نیست در ثانی فعالیت های مرتبط با صنعت نفت در قلمرو یک کشور محدود نمی شود هم در حوزه ی محیط زیست و هم در حوزه ی نفت و گاز ما با ابعاد و مسائل بین المللی مواجه هستیم.

آلودگی نفتی تنها قلمرو سرزمینی یک کشور را در بر نمی گیرد بلکه می تواند در چارچوب فرآورده های نفتی از طریق کشتی ها آلودگی های شیمیایی و فیزیکی خارج از قلمرو ملی کشورها انتقال پیدا کند دو نکته در حوزه ی حقوق بین الملل محیط زیست در ارتباط با صنعت نفت قابل تأمل است نکته ی اول که مرتبط با محیط زیست می باشد مسائل محیط زیست اساساً مرز نمی شناسد و کل واحد است و مرزها را درمی نوردد و مرزهای قراردادی حاکمیت کشورها را درمی نوردد و محدود به قلمرو حاکمیت نیست و دوم اینکه فعالیت های مرتبط با صنعت نفت که

قلمرو وسیعی را به خودشان اختصاص داده اند مخصوصاً در فرآورده های نفتی و نقل و انتقال نفت در عرصه ی خاکی و آبی.

-برخی از تعهدات و اصول حقوق بین الملل محیط زیست در ارتباط با صنعت نفت . اولین اصل (معروفترین اصل) در حقوق منابع طبیعی یا حقوق بین الملل انرژی مسئله ی حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی خوشان است این قاعده ی سنتی در حقوق بین الملل است یعنی اینکه دولتها دارای حاکمیت مطلق بر منابع خود هستند یک حاکمیت دائمی و مطلق است و اعم از قلمرو فضایی، خاکی و آبی در قطعنامه های مجمع عمومی بارها بر حاکمیت . دولتها بر منابع طبیعی صحیح گذاشته است . طبیعی است منابع نفت و گاز که در قلمرو یک سرزمین وجود دارد تابع چنین اصلی است اما آیا حاکمیت دولت بر منابع طبیعی خود یک اصل مطلق و دائمی است؟ بله اصل و قاعده ی عمومی حقوق بین الملل صحبت از حاکمیت دولت بر منابع طبیعی خود دارد اما این شناسایی از رویکرد سنتی خود در طی حیات خود رویکرد مطلق انگار و رویکرد مبتنی بر حاکمیت مطلق دست شسته و امروزه در نگاههای مدرن محدودیتی را بر این حاکمیت وارد کرده است.

بر اساس رویکرد سنتی دولت دارای حاکمیت مطلق است مثلاً در استفاده از منابع آبی دکتترین معروفی است در اختلاف میان آمریکا و مکزیک ۱۹۰۶ م وزیر خارجه وقت هارمون ورسر تعمیم رودخانه بر همین اصل استناد می کند که این اصل معروف شد به **دکتترین هارمون** به این معنا که دولت بدون توجه به احتمال آسیب منافع دولتهای همجوار این صلاحیت و اختیار را دارد تا آن گونه که می خواهد از منابع طبیعی خود بهره برداری می کند این دکتترین سنتی در حقوق بین الملل منابع طبیعی معروف شد به دکتترین هارمون. البته بعداً بعنوان یک اصل معروف حقوق بین الملل اصل حاکمیت مطلق مطرح شد اما اختلافات میان کشورهای بالادست یک رودخانه و کشورهای پایین دست به گونه ای شد که دولتهایی که در مسیر یک رودخانه قرار داشتند بپذیرند یک سری محدودیتهای بر اعمال صلاحیت ها

و اعمال حاکمیت آنها مخصوصاً در مورد آلودگی آبهای مرزگذر و آبهای روان جاری است.

بنابراین امروزه ممنوعیت ایجاد آلودگی زیست محیطی توسط کشور بالادست رودخانه نسبت به کشور پایین دست حاکمیت دولتها را محدود کرده.

قید رعایت زیست محیطی بین دو یا چند کشور مبتنی است بر یک نظریه ی معروف در حقوق مدنی منع سوء استفاده از حق (قاعده ی لاضرر) ← اصل حاکمیت دولت بر منابع خود اصل اول

آیا دولتها در استفاده از منابع نفتی و گازی می توانند به این اصل استناد کنند؟ خیر امر مطلق نیست البته حاکمیت دولت بر منابع طبیعی اگر قطعنامه را ملاحظه کنیم برای سالهای ۱۹۷۰ است و در یک دوره ای کاربردهای زیادی داشت برای کشورهای متروپل کشورهایی که منابع طبیعی آنها توسط کشورهای استعمارگر غارت می شد مثل ایران (ملی شدن صنعت نفت) که این اصل برای استعمار زدایی و تأکید بر حاکمیت دولت و رهایی دولت از نظارت و کنترل کشورهای استعمارگر کاربرد داشته است.

اما امروزه ملاحظات زیست محیطی در بهره برداری از منابع مشترک این اصل را قید می زند این اصل نخست می باشد.

اصل دوم ← برمی گردد به یک تعهد یا اصل معروف در حقوق بین الملل دیپلماتیک البته هم در حوزه ی حقوق بین الملل و هم در حوزه ی روابط بین الملل معروف است به «تعهد به حسن همجواری» این اصل معمولاً نه بر اساس قید های حقوقی مثل لاضرر با منع آسیب و یا منع غیر خسارت با راز سرزمین بلکه اصل حسن همجواری با تفسیر موسعتر و با توجه ملاحظات دیپلماتیک بین کشورهای همجوار آزادی عمل دولت را نه بر اساس ملاحظات حقوقی بلکه با ملاحظات دیپلماتیک محدود می کند مثلاً در اختلاف میان کشور بالادست و کشور پایین دست یک رودخانه ی مرزی بر اساس اصل حسن همجواری منافع دولت پایین دست را در گرو نحوه ی عملکرد دولت بالادست قرار می دهیم و دولت بالادست

نمی تواند از طریق ایجاد آلودگی نفتی منافع کشور پایین دست و همجوار را تحت تأثیر قرار دهد.

تعهد دیگر یک مسئله ی مهم و چالشی است زمانی که آلودگی جنبه ی بین الملل ایجاد می کند

چگونه دولت می تواند فعالیت های ذاتاً آلاینده را انجام دهد بدون اینکه به منافع کشور همجوار آسیب وارد نشود؟ گاهی ما ناچاریم اجازه بدهیم بر اساس اصل حاکمیت اقدام به بهره برداری از منابع نفتی بکنند. از سویی دیگر اصل منع آسیب و منع ضرر و اصل حسن همجواری این اجازه را به دولت ندهد و دولت را در قلمرو و سرزمین خود محدود کند تعادل بین این دو نفع متضاد چگونه باید برقرار بشود؟

در چارچوب مباحث حقوق بین الملل و رویه ی اختلافاتی که میان کشورها در این زمینه شکل گرفته مبنایی که دیوان داوری در سال ۱۹۵۷ در قضیه ی دریاچه ی لانو اختلاف میان فرانسه و اسپانیا به آن استناد می کند توازن حقوق محاکمه ی دولت آبراه یا دولتی که دارای حاکمیت است با منافع کشور پایین دست یا همجوار است باید نوعی توازن میان دو حقوق برقرار شود لذا منابع مشترک (نفت و گازی) دولت ممنوع از بهره برداری نیست نتیجه ی بحث این است آنچه که دولتها با ملاحظه ی اصل حاکمیت دائمی دولت بر منابع طبیعی در کنار اصل حسن همجواری و اصل منع آسیب این است که دولتهای بالادست متعهدم منع آسیب نا متعارف به دولت پایین دست هستند (آشتی بین این دو اصل) ← آسیب نامتعارف، آسیب های متعارف را حقوق بین الملل منع نمی کند البته این فرع بر پرداخت خسارت یا مسئولیت بین المللی دولت همجوار یا دولت بالادست است اما اجازه ی آسیب های متعارف را داده است.

موسسه حقوق بین الملل در اجلاس ۱۹۱۱ مادرید سعی کرده است برخی از این قواعد را مشخص کند مخصوصاً جایی که منابع آبی مشترک که بین کشورها وجود دارد آلودگی نفتی می تواند مخصوصاً در فضای آبی اتفاق بیفتد.

طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد استفاده از آب راهها و هم سندی که موسسه حقوق بین الملل در سال ۱۹۱۱ مادرید در ارتباط با این مسئله مصوب کرده و

هم چنین قطعنامه های متعددی که از شورای امنیت صادر شده نشان دهنده ی چنین تعهدی می باشد تعهد سومی که در کنار آن دو تعهد و در آشتی میان آن دو تعهد جاری می شود تعهد به منع آسیب نا متعارف می باشد.

لذا اگر کشوری فعالیت های نفتی و گازی آن خسارت های متعارفی به کشور پایین دست وارد کند با این تعهد مجاز است (البته این جدای از مسئولیت بین المللی دولت در مورد خسارات آلودگی های متعارف است).

آن چیزی که میان دو تعهد در حقوق بین الملل با هم صف آرای می کنند موضوع آسیب های نامتعارف است آن چیزی که ممنوع است آسیب های نامتعارف است در جنگ نفت یا در جنگ ایران و عراق آسیب های ناشی از انفجار چاههای نفت آسیب های نامتعارف بودند.

معیارهایی که کمیسیون حقوق بین الملل مطرح کرده در مورد زیان شدید است در مورد آبراهها به کشور همجوار می باشد برای نمونه کمیسیون حقوق بین الملل اشاره می کند به استفاده ی بیش از حد از منابع طبیعی بالادست رودخانه در اختلاف میان ترکیه و عراق و سوریه در بهره برداری از آب فرات اشاره می شود که ترکیه بر خلاف معاهده ی سوزان ۱۹۲۳ استفاده ی بیش از حد فرات داشته است ورود گونه های مهاجر مزاحم و گونه های مضر و آلودگی های شدید به منابع آبی اینها در واقع از مصادیق اساسی آسیب نا متعارف است. طبیعی است اگر آلودگی به اندازه ای باشد که آسیب های نامتعارف به منافع کشور پایین دست وارد کند ممنوع است (تعهد سوم)

تعهد دیگر تعهد به همکاری میان کشورهاست که در حقوق بین الملل محیط زیست اشاره شده است مطابق این تعهد کشورهای همجوار یا کشورهایی که دارای منافع مشترک هستند بویژه در موضوعات جهانی مثل میراثهای مشترک بشریت باید با هم همکاری داشته باشند.

بعنوان یک تعهد عمومی ذکر می شود که باید به منظور دستیابی به اهداف مطلوب در آن زمینه انجام شود از جمله همکاری در زمینه های نفتی و مالی و ...

دو نهاد میمک و دائمی در حوزه ی خلیج فارس و حفظ محیط زیست بر همین مبنا می باشد. تعهد دیگری در حقوق بین الملل محیط زیست می باشد تعهد دولتها به تبادل اطلاعات مربوط به میزان آلودگی اطلاع رسانی احتمال حوادث آلودگی که ما اصطلاحاً ذیل عنوان تبادل اطلاع رسانی می شناسیم.

و تعهد پنجم تعهد منع آسیب یا ایجاد خسارات و آلودگی های شدید زیست محیطی اینها تعهدات عمومی دولتها هستند که مسائل آلودگی نفتی بعنوان دولتها از جمله عرفهایی که در زمینه محیط زیست مطرح هست می توان به بحث استفاده غیر خسارت بار از سرزمین است . دولتها علی رغم اینکه دارای حقوق حاکمیتی درباره استخراج از منابع طبیعی خود هستند ، نمی توانند بگونه ای عمل کنند که منجر به آسیب رسیدن به مناطق ماوراء قلمرو آنها شود مثل آلودگی نفتی یا آسیب زیست محیطی (اصل منع آسیب یک قاعده عرفی است).

مباحث قبلی در مورد حقوق ملی محیط زیست در ارتباط با صنعت نفت بود و اما این جلسه ابعاد بین المللی محیط زیست در صنعت نفت را تحلیل می کنیم.

آلاینده یا دولت متأثر از آلودگی حاکم است.

۹- اصل حسن همجواری

این قاعده ی عرفی در اصل ۲۱ سخلف و ۲ ريو مورد شناسایی قرار گرفته در رویه ی بین المللی دولتها مخصوصاً قضیه ی کانال کورفو و دریاچه ی لانو و قضیه کارخانه شاهد هستیم .

۱۰- اصل اطلاع رسانی

-اصل اطلاع رسانی از دولتها می خواهد که فجایع و آلودگیها و مخاطرات را به کشورها اطلاع دهند مثلاً کنوانسیون مونته گبی ماده ی ۱۹۸ از دولتها می خواهد که آلودگی دریایی را اطلاع رسانی کنند.

۱۱- اصل همکاری

درباره ی آلودگی های نفتی پر کاربرد است و از دولتها می خواهد که با همکاری مشکلات مربوط به محیط زیست را حل کنند. این مسئله درباره ی همکاری حوادث آلودگی نفتی به اوج خود رسید و به عنوان یک اصل عام در اسناد بین المللی تکرار شده مخصوصاً نمود این اصل را در اعلامیه ی استکهلم بینیم (اصل ۵ ریو) چارچوب مباحث بیشتر در نهاد سازی بین المللی، سازمانهای بین المللی زیست محیطی خود را نشان می دهند. مثلاً در مورد آلودگی های نفتی خلیج فارس می توان به نهاد میمک اشاره کرد و نهاد راپمی که در چارچوب کنفوانسیون کویت شکل گرفته است. (مبتنی بر این اصل است)

فصل دوم- منابع حقوق محیط زیست در صنعت نفت

در این فصل قوانین و مقررات داخلی ایران را تحلیل می کنیم و در اسناد بین المللی را بررسی می کنیم. رویه ی قضایی را به صورت مستقل بررسی می شود.

نخست- منابع داخلی

۱- قانون اساسی

در قانون اساسی اصل مشخصی که به صورت مستقل به موضوع حفاظت محیط زیست در ارتباط با حقوق انرژی پرداخته باشد نداریم. قانون گذار به صورت کلی و یا غیر مستقیم هنجارهایی را در زمینه حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی وضع کرده بدون اینکه اشاره ی صریحی به مقررات نفت و گاز یا انرژی داشته باشد. زیرا قانون اساسی وارد جزئیات نمی شود (به موارد کلان سیاسی، اقتصادی و ... می پردازد) و فرایند آگاهی دولتها و شهروندان در محیط زیست یک فرآیند طولانی است و نباید در اکولوژی محیط زیست نباید منتظر انقلاب بود.

الف- نظریه دستوری حمایت

در زمان تقریر قانون اساسی به این معنا نیست که نویسندگان آن زمان حمایتی از محیط زیست نداشته اند. شاید این آگاهی که دولتها و شهروندان نسبت به محیط زیست و سلامتی پیدا کردند در دهه ی ۵۰ به این شکل نیست اما به این معنا نیست

که مطلقاً نگاهی نداشته اند به محیط زیست و انرژی هرچقدر آگاهی اکولوژیکی شهروندان و دولتها بیشتر باشد وضع مقررات خاصی در این زمینه بیشتر است مثلاً تا سالیان سال فکر می کردند که مسئله ی لایه ی اوزون یا مسئله ی تغییرات آب و هوا خیلی واقعیت نداشته باشد در دهه ی ۸۰ و ۹۰ میلادی عدم آگاهی وجود داشت دانشمندان، متخصصین و افکار عمومی آگاهی یافتند و آخر و اضعان قانون.

ب- مهمترین اصول مرتبط در حقوق اساسی ایران

در چهار اصل قانون اساسی می توان ارتباطش را با محیط زیست بینم. محوری ترین و شاخص ترین اصل و یگانه اصلی که به مسئله ی محیط زیست به صورت مستقیم به محیط زیست اشاره کرده اصل ۵۰ قانون اساسی است.

اصل پنجاهم

محور اصل ۵۰ ق.ا حفظ محیط زیست است.

در صدر اصل و ذیل دو محور کلی بیان شد صدر اصل به وظیفه ی عمومی حفاظت اشاره می کند و ذیل اصل یک حکمی را بیان می کند راجع به ممنوعیت برخی فعالیت ها ذیل اصل بیشتر با صنعت نفت ارتباط دارد. شایعترین فعالیت که جنبه ی اقتصادی برای دولت دارد فعالیت نفتی است که بخش بزرگی از بودجه ی دولت از این طریق تأمین می شود.

در صدر اصل نسل امروز و بعد ارتباطش با صنعت نفت توسعه ی پایدار است. آنجایی که نوشته نسل امروز و نسلهای بعد یک مفهومی در حقوق محیط زیست و حقوق توسعه ی پایدار داریم بنام اصناف بین نسلی و انصاف درون نسلی و در بحثهای عدالت و عدالت زیست محیطی اصطلاحاً ما شاهد یک مفهومی در حقوق محیط زیست هستیم بنام انصاف یا عدالت بین نسلی یعنی دو نسل یا چند نسل و

انصاف و عدالت درون نسلی Inter generational equity نسل امروز و بین

نسلی Intera generational equity

-از صدر اصل اینگونه تفسیر کنیم که منابع انرژی نفت و گاز صرفاً متعلق به نسل حاضر نیست بلکه این منابع در طول سالیان متمادی نفت در میلیونها سال طی پدیده های زمین شناختی تولید شده. لذا نیازمند این نکته هستیم که این منابع، منابعی هستند که در واقع نسلهای آتی نیازمند استفاده از آنها هستند البته یک مسئله ی حقوقی وجود دارد آن هم مسئله ی حقوقی نسلهای آینده می باشد که هنوز بوجود نیامده اند چون نسلهای بعد بوجود نیامدند نمی توانیم صحبت از حقوق نسلهای بعد کنیم از منظر اکولوژیست نه از منظر حقوقدان که در چارچوب قوانین موضوعه و نظریه های غالب تحلیل کنیم و نگاه کنیم البته در سطح کلان در حقوق محیط زیست الگوهای رقیب نظری داریم مثلاً چند نظریه درباره ی انسان و مواهب طبیعی داریم که یکی **نظریه ی مالکیت** اینکه دولتها و انسانها مالکیت کاملی نسبت به منابع انرژی دارند که اصطلاحاً به آن نظریه مالکیت یا منابع طبیعی می گویند که البته دوستان بر اساس نظریه ی مالکیت نظر داده اند و حرجی هم (اشکالی) ندارد.

اما نظریاتی دیگر در حقوق مطرح شده آن هم **نظریه امانت** می باشد یا نظریه ی وکالت و نمایندگی اگر در چارچوب نظریه ی امانت و نظریه ی وکالت بخواهیم تحلیل کنیم به مقدار باید منابع طبیعی را ببریم در چارچوب زمان و مکان و نوع رابطه ی حقوقی انسان با منابع طبیعی بر اساس نظریه ی رقیب که بیشتر حقوقدانان محیط زیست طرفدار این نظریه اند فارغ از اکولوژیست ها، این که برخی از منابع و برخی از مالکیت ها به صورت مالکیت محض قبول ندارند و می برند در چارچوب نظریه ی امانت (امین) ← خلاصه ی نظریه این است که مواهب طبیعی آب و خاک، نفت و گاز و جنگل و ... امانتی است در دست این نسل.

برخی نظر می دهند در چارچوب نظر نمایندگی و وکالت است. اما نظریه ی غالب نظریه ی مالکیت است

-بحث دوم ← برمی گردد به پایداری سیستم های اقتصادی و اجتماعی بحث کاملاً جامعه شناختی است و در واقع در جامعه شناسی منابع طبیعی تحلیل می شود فارغ از رویکرد حقوقی اینکه سیستم پایدار بماند نیازمند در واقع توجه و ملاحظات زمانی است از این منظر و با توجه به مفهوم توسعه ی پایدار، اکولوژیستها هم از این مفهوم دفاع می کنند ولی این ها نظرهای شاد و الگوهای رقیب هستند.

نظریه ی وکالت، نظریه ی امانت، نظریه ی پایداری سیستم ← نظریه ی رقیب هستند اما نظریه ی اصلی در بحث بهره برداری از منابع با شناسایی حقوق نسلها این نظریه طرفداران زیادی (حقوقی) ندارد و دوستانی هم که در این چارچوب نظر داده اند نمی توان در چارچوب حقوقی از آن استفاده کرد و یا دفاع کنیم.

اینترجنریشنال یا انصاف درون نسلی اینجا مشکلی نیست همینطور که اشاره شد غیره حیات چه در چارچوب نظریه ی مالکیت و چه در چاب نظریات رقیب ...

منظور کلمه ی رشد؟

نکته ی دوم: اما قانون اساسی یک قید دیگر هم اضافه کرده حفاظت از محیط زیست نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند ← از کلمه می توان هم نظریه هم نظریه به نفع محیط زیست تغییر کنیم .

-اگر منظور از رشد رشدی همه ی جانبه است یعنی ملاحظات اقتصادی اجتماعی مخصوصاً مسئله ی فقر و عدالت زیست محیطی که در واقع محور بیانیه ی ژوهانسبورگ هم بود (توسعه ی پایدار)

-بین مفهوم رشد و توسعه از لحاظ اقتصادی تفاوت است؟ توسعه را در سالهای متمادی ارزیابی می کنند و رشد یک مفهوم سالیانه است تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی تحلیل می شود (به نظر استاد باید توسعه جای رشد قرار می گرفت در اصل ۵۰)

نکته ی سوم حفظ محیط زیست وظیفه ای است عمومی ← عموم بودن قابل بحث است اینکه وظیفه ی دولت است یا شهروندان یا هر دو تضمین پایداری نسلها و حیات روبه رشد و تضمین کدام است؟

بعضاً این تلقی وجود دارد که وظیفه‌ی حفظ محیط زیست وظیفه‌ی ای است دولتی در حالی در نظریه‌های امروزی و مدرن حقوق محیط زیست اتفاقاً بدون مشارکت (رویکرد مشارکت رویکردی که آغاز آن از شهروند است و در نهایت تکالیف دولت می‌باشد) لذا وقتی می‌گوییم وظیفه‌ی عمومی بعضی مواقع در نظام حقوقی سیاسی تلقی به صرفاً وظیفه‌ی دولت می‌شود . (نظریه‌ی اجتماعی)

ذیل اصل ← فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن و

اولاً قانون اساسی به صورت یکی اشاره کرده (مطلق است) فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن ، شاخصترین فعالیت که دولت‌ها انجام می‌دهند و باعث آلودگی بخش وسیعی از محیط زیست می‌شود مرتبط با نفت و گاز می‌باشد قانون اساسی آن را ممنوع کرده اما یک نظریه‌ی اختلافی وجود دارد ؟ بعضی فعالیت‌ها با آلودگی محیط زیست ملازمه دارند (آنتی گرین هستند) از این دیدگاه بعضی فعالیت‌ها آلودگی ایجاد می‌کنند اما قابل جبرانند اینها حکمشان چیست ؟ آیا می‌توان از حکم ذیل اصل ۵۰ ق ۱ مفهوم مخالف گرفت آیا می‌توان بگوییم آن دسته از فعالیت‌ها که منجر به آلودگی قابل جبران می‌شود مجاز است ؟ آیا می‌توان جبران نمود تمام خسارات یا بخشی از خسارات زیست محیطی را ؟

اگر ما یک حقوقدان متن محور باشیم می‌توانیم بگوییم آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی که منجر به آلودگی یا تخریب قابل جبران باشد ممنوع نیست مثلاً خط لوله گاز و نفت از یک منطقه‌ی جنگلی عبور داده ایم ۲۰۰۰ اصل درخت مجبوریم قطع کنیم می‌توانیم این درختها را جبران کنیم و جایی دیگر بکاریم و خسارت جبران می‌شود . لذا وقتی تخریب غیر قابل جبران است بنابراین اشکالی ندارد فعالیت‌های انجام می‌دهیم و تخریب آن را جبران می‌نماییم (استاد با این نگاه موافق نیست) و گفته که در ذیل اصل ۵۰ حکمی را گفته که با صدر اصل ۵۰ همخوانی ندارد . یک دلیل شکلی دارند (استاد) چون نمی‌توان از هر متنی مفهوم مخالف بگیریم . بسیاری از خسارات زیست محیطی غیرقابل جبران هستند (غالب خسارات زیست محیطی) .

جبران یا به عین یا به مثل یا به قیمت در مورد خسارات زیست محیطی و خسارات حقوق مسئولیت مدنی کاملترین و بهترین و مطلوب ترین نوع جبران عین است . همان اعاده ی وضع به حالت سابق است اگر ممکن نبود مثل آن اگر ممکن نبود خسارت آن بسیاری از خسارات زیست محیطی به خصوص خسارات انرژی نفت و گاز غیر قابل جبرانند . مخصوصاً اگر معیار اول را در نظر بگیریم غیر قابل جبران عینی هستند . عناصر زیست محیطی عناصری هستند که دارای ارزشهای بنیادین هستند و ذاتی لذا جبران آن دشوار است . (حتی در مورد جبران به قیمت در مورد آلودگی های نفتی مقدور هم نیست .) لذا نمی توان مفهوم مخالف از ذیل اصل ۵۰ گرفت فعالیت اقتصادی که منجر به تخریب بشود غیر قابل جبران است . نظر استاد ← نویسندگان قانون اساسی ۲ کلمه را کنار هم چشیده اند که متضاد می باشد آلودگی تخریب و غیر قابل جبران تخریب ← که در بعضی موارد قابل جبران و در بعضی موارد قابل جبران می باشد .

اصل چهل و پنجم

دومین اصلی که به محیط زیست پرداخته اصل ۴۵ می باشد و موضوع آن مالکیت انفعال است . ارتباط این اصل با صنعت نفت و بعد محیط زیست چیست ؟ نفت جزو انفعال است . نفت از مصادیق معدن می باشد . از منظر ۴۵ ق ۱ مالکیت منابع نفتی از کدوم از نظریات (مالکیت) ، امانت ، نمایندگی می باشد ؟ نظر استاد ← در اختیار حکومت اسلامی ← نظریه ی وکالت می باشد و نمایندگی است . و آنهایی که نظریه ی مالکیت را برگزیده اند گفته اند که مالکیت حکومت حقیقی نیست و اعتباری است و مالکیت حقیقی از آن خداوند است . فارغ از هر نوع دیدگاه و نظریات آن چیزی که از اصل ۴۵ برای محیط زیست اهمیت دارد ۲ نکته است : ۱- بسیاری از مصادیقی که در اصل ۴۵ اشاره شده در واقع مهم ترین مواهب زیست محیطی اند ← مثل دریا ، نزار ، کوه ، جنگل و

بخش عمده ای اموال زیست محیطی در اختیار دولت می باشد (تحت عنوان انفعال) . حکومت اسلامی نمی تواند این اموالی که در اختیار است همان گونه که خواست اعمال مالکیت و مدیریت و نمایندگی کند ← طبق مصالح عامه ← قید زده مصالح عمومی

آیا میتوان از مصلحت عمومی قید (تعهد) به رعایت ملاحظات زیست محیطی در خلال اکتشاف نفت و گاز بیرون بکشیم ؟

جواب ← بله رعایت مصالح زیست محیطی می باشد .

اصل چهل و هشتم

اصل سوم اصل ۴۸ قانون اساسی است. موضوع این اصل عدالت در بهره بردای از منابع طبیعی . انصاف یا عدالت درون نسلی مهم ترین مصداق این بحث اصل ۴۸ است .

ونفت یکی از مهم ترین مصادیق منابع طبیعی است و قانونگذار در این اصل اشاره کرده که در بهره برداری از منابع نباید در تبعیض باشد ← عدالت زیست محیطی مثلاً نباید آلودگی منابع نفتی در یک استان باشد و منافعی فقط در یک استان دیگر

اصل یکصد و پنجاه و سه

آخرین اصل ← اصل ۱۵۳ ق ۱ این اصل کمتر ابعاد زیست محیطی دارد . ارتباط ۱۵۳ با محیط زیست چی هست ؟ و این که در مالکیت منابع نفتی مشخص است که بیگانگان نمی توانند مالکیت داشته باشند . بیگانگان بر محیط زیست توجهی ندارند . (عدم توجه سرمایه گذاران) . آینده ی مسائل انرژی بستگی دارد به مالکیت منابع انرژی . هدف این اصل نفی سلطه است و به معنای مطلقاً ممنوع نیست هدف این اصل این نیست که از مشارکت شرکتهای خارجی و سرمایه گذاری بیگانگان که ممکن است به لحاظ فنی برتریهایی داشته باشند و بتوانند کمک کنند نفی کند و به معنای نفی سلطه است چیزی که قبل از ملی شدن صنعت نفت شاهد بودیم .

-اگر ما بخواهیم منبع نخست را توضیح بدهیم در قانون اساسی به صورت مستقیم به ملاحظات مرتبط با حقوق محیط زیست و نفت پرداخته نشده و تنها ابزار ما تغییر می

باشد البته با کمک و در پرتو نظام حقوقی و مقررات و آراء و نظریات شورای نگهبان و سایر مراجع پاسدار قانون اساسی دارند

۲- اسناد بالادستی

در این زمینه دسته ی دوم، اسناد بالادستی هستند قوانین برنامه ای ، سند چشم انداز سیاستهای کلی و مواردی از این دست است.

سیاست های کلی

بند ۱ سیاستهای کلی نظام ← گسترش اکتشاف نفت و گاز به معنی گسترش آلودگی و به معنای عدم توجه به ملاحظات توسعه ی پایدار هم هست .

بند دوم ← تولید صیانت شده تولیدی هست که در واقع می تواند همسو به ملاحظات نفت باشد و هم نتواند باشد . اگر تولید صیانت شده را به معنای ازدیاد برداشت نفت تلقی کنیم . طبیعی است که همسو نخواهد بود تولید صیانتی بعضاً به معنای تحمیلی بودن تولید از مخزن و همچنین ضرورت شناسایی تروایی از مخزن . یکی از مباحثی که در صنعت نفت مطرح می شود و مهم است بحث (بند ۴) فناوری است و سه حالت می تواند داشته باشد تکنیک یا تکنولوژی بعضی تکنولوژیها دوستدار محیط زیستند مثلاً تکنولوژی تبدیل و بازیافت پسماند . -بعضی تکنولوژیها آنتی گرین هستند و ضد محیط زیستند مثل فناوری قطع درخت . -و تکنولوژیهایی که به سمت گرین شدن در حرکتند و می توانند گرین باشند . بنابراین توجه فناوری در صنعت نفت و گاز مخصوصاً فناوریهای تکنولوژیهای دوستدار محیط زیست .

یکی از جاهایی که ملاحظات زیست محیطی پیوند نزدیک و قریبی با مسئله ی انرژی پیدا می کند مصرف انرژی است . و در نظام حقوقی ایران باید به سمت بهینه سازی چنین الگوهایی باید برویم و سیستم های ما به لحاظ تکنیکی و فنی بهینه نیستند و مصرف منابع انرژی گاز و نفت با استانداردهای جهانی بسیار فاصله دارند . لذا یکی از سیاستهای کلی بند ۷ این را بیان نموده .

بندب: ما در این جا ملاحظات زیست محیطی را باید در نظر بگیریم در بحث انرژی بر اساس یک تقسیم بندی پایه انرژی تقسیم بندی می شود به انرژیهای تجدید پذیر و انرژیهای تجدید ناپذیر.

دغدغه های سند چشم انداز در مورد انرژیهای تجدیدپذیر بسیار زیاد است .

بند ۱- صحبت تنوع انرژی با توجه به رعایت ملاحظات زیست محیطی نموده منتها تلاش برای افزایش سهم انرژیهای تجدید پذیر با اولویت انرژیهای آبی مانند سدها ← نباید ما اقتصاد و سیاست ، فرهنگ و ... بر اساس نفت قرار بدهیم ناچار باید سیستم های اقتصاد و سیاست و ... را به سمت انرژیهای غیر نفت هم حرکت بدهیم . (انرژی زمین گرمایی ، انرژی خورشید ، انرژی استفاده از امواج دریا ، سد و ..)

در بند ۴ مهم ترین مصادیق انرژیهای نو را هم ذکر کرده از جمله انرژی بادی و ...

دومین سند از اسناد کلان بالادستی

یکی از دستگانهایی که باید در مورد ملاحظات زیست محیطی با دستگانهایی مختلف هماهنگی کند وزارت نفت و شرکتهای تابعه است . یکی از مشکلات اساسی در مورد بحران آلودگی محیط زیست بحث ساختاری است و نظام اداری ، سازمانها و دستگانهایی متعددی در این زمینه تکالیفی بر عهده دارند از جمله وزارت نفت و شرکتهای تابعه درباره ی رعایت ملاحظات زیست محیطی و این یک تکلیف عام است که ماده ۵۸ قانون برنامه لازم می خواهد .

یکی از مصادیق حقوقی عدالت بین نسلی ماده ی ۸۴ می باشد .هدف از تأسیس این صندوق حقوق نسلهای آینده (حفظ سهم نسلهای آینده از منابع نفت و گاز مشخص شده) شناسایی حقوق نسلها در بهره برداری منابع از نفت و گاز

محور دوم ماده ۱۲۹ می باشد که به تکالیف وزارت نفت اشاره کرده اشاره می کند به حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز و به کارگیری نیروهای متخصص .

رابطه ی نیروهای متخصص با محیط زیست ؟ به کارگیری نیروی متخصص که مسلط به مسائل تکنیکی نفت و گاز باشند کمک می کند تا حدودی مثلاً در خیلی از انفجارهای سکوهای نفتی بی احتیاطی و بی مبالاتی کارشناسان و عدم تجربه و

عدم توانایی و فنی بوده و اگر از متخصصین استفاده شود امکان کاهش آلودگی و بروز آلودگیهای زیست محیطی کاهش داده ایم .

در بند ۲ تولید صیانتی اما در قسمت دوم بند ب وزارت نفت مکلف است از نظر مقدار تولید ، صیانت مخزن و معیارهای سلامتی ، ایمنی و زیست محیطی نظارت نماید . (نظام HSE) ← تأکید دارد . پس در ماده ی ۱۲۹ نظام HSE مهم و شاخص میباشد . منظور از اسناد بالادستی اسنادی هستند که سیاستها را می دهند و بعد تبدیل بع قانون می شوند .

برخی از اهداف و سیاستهای ماده ۲۱۷ برنامه ی ۵ توسعه مربوط یا ربط پیدا می کند با ملاحظات زیست محیطی ← استفاده ی بهینه از ذخایر انرژی به عنوان هدف برای وزارت نفت ذکر کرده و در جلسه ی قبل در تعریف توسعه ی پایدار .
ما در حقوق محیط زیست استفاده بهینه را می گذاریم در قالب استفاده معقول و استفاده پایدار از منابع انرژی .

موضوع دوم صیانت از منابع نفتی

و در نهایت ارتقاء کیفیت فرآورده های نفتی برای کاهش میزان آلودگی آلاینده های زیست محیطی (مثلاً تولید بنزین استاندارد برای کاهش آلودگی های زیست محیطی که این مورد بر عهده ی پالایشگاههای نفت می باشد و یکی از سیاستهایی که مرتبط به این بخش است در واقع کیفیت فرآورده های نفتی با هدف کاهش آلودگی زیست محیطی است و البته این مورد در مرحله ی پس از پالایش و مسئله مصرف انرژی) (۳ سیاستی که جزو سیاستهای وزارت نفت می باشد .)

و چند استراتژی برای رسیدن به این سیاستها بیان نموده مانند تولید صیانتی و افزایش ضریب باز یافت و بند دوم و بند سوم
سطح سوم سطح اجرا است.

۳- قوانین

تحلیل قوانین و مقررات حاکم بر صنعت نفت (زیست محیطی) از لحاظ نظام تقنینی یا آنچه در حکم قوه ی مقننه است و ارزش هنجاری قوه ی مقننه دارد قوانین

مختلفی را لیست کنیم بعضی از قوانین از لحاظ زیست مهم هستند . قوانین زیست محیطی غیر مستقیم یا کلی به موضوع محیط زیست پرداخته اند (دسته اول) دسته دوم قوانینی هستند که به صورت خاص در مورد حفاظت محیط زیست در صنعت نفت و گاز هستند مثلاً قانون حفاظت دریا و رودخانه در برابر آلودگی نفتی یک قانون خاص است اما قانون و حفاظت و بهسازی محیط زیست یک قانون عام محسوب می شود . از منظر قوانین کلان زیست محیطی قوانین متعددی را نام ببریم و هم چنین در حفره ی قوانین خاص قوانین متعددی را نام ببریم . ابتدا به قوانین کلی می پردازیم.

قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست

ابتدا می پردازیم به رویکرد قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ که این قانون یک قانون عام و کلی در حفاظت از محیط زیست می باشد در کشور نخستین قانون جامع این سالها می باشد در بین حقوقدانان محیط زیست کلیدی ترین و مهم ترین قانونی که در ادبیات حقوق محیط زیست شایع است همین قانون است . اولین بحثی که مرتبط می شود با صنعت نفت قسمتی از ماده ی ۳ این قانون است که در بحث مربوط به فعالیتهای اکتشافی می باشد ارتباط ماده ی ۳ با کدام قسمت از صنعت نفت می باشد ؟ فعالیتهای اکتشافی مرتبط با صنعت نفت فعالیتهای بالادستی اگر بخواهیم یک فعالیت توسعه ای یا اکتشافی در زمینه ی صنعت نفت انجام بدهیم . اگر در حوزه ی این ۴ منطقه ای که در ماده ی ۳ بیان شده حتماً باید مجوز سازمان حفاظت محیط زیست اخذ شود و معروف شده اند به مناطق ۴ گانه ی محیط زیست . پس چاه انتکال لوله ی نفت و گاز در مناطق ۴ گانه ی حتماً باید با مجوز شورای عالی حفاظت محیط زیست انجام گیرد . قانون حفاظت محیط زیست به این ۴ منطقه خ اهمیت و توجه نشان می دهد

پارک ملی ← نمونه های برجسته ی مظاهر طبیعی که برای حفظ آنها مخصوصاً برای تکثیر و رشد جانوران وحشی و رشد برخی گیاهان باید محافظت بشوند .

اثر طبیعی ملی ← اشاره می کند به یک سری پدیده ها و یا مناظر طبیعی خاص و یا گیاهان خاص مثل لاله های واژگون یا درختان کهنسال و غیره .

پناهگاه حیات وحش ← زیست گاه طبیعی که خاص جانوران وحشی و برای حفاظت از زیست گاه آنها ضروری است .

منطقه ی حفاظت شده ← که نسبت به پناهگاه حیات وحش ضرورت دارد که برای نسل دیگر جانوران وحشی حیات وحش دارای اهمیت است . در مورد فعالیتهای زیست محیطی مرتبط با صنعت نفت دولت (دستگاه های اجرایی قوه ی مجریه)

وظایفی را از نظر اکولوژیکی بر عهده دارند . مثلاً وزارت نفت و شرکتهای تابعه بنا در وکشیرانی و سازمانهای وزارت جهاد کشاورزی و صدا و سیما و... یکی از این سازمانها سازمان محیط است که ما سعی می کنیم ارتباط این سازمان را با انرژی بیان کنیم .

اولین وظیفه را در اسلاید ۹۰ بیان کرده است انجام تحقیقات و جلوگیری از آلودگی و روشهای آن را بیان کرده است ۱- .. ۲- ..

برخی از تکلیف های الف اسلاید ۹۰ مشخصاً مرتبط با فعالیتهای صنعت نفت ← بند دو ← شاخص ترین مستحذات می توان پالایشگاه ها یا لوله های نفتی مثلاً ممکن است در بخش پایین دستی در احداث پالایشگاه ممکن است ایجاد آلودگی کند یا منظره ی حفره ی طبیعی را تحت تأثیر بدهد . بنابراین یکی از وظایف آن انجام تحقیقات و جلوگیری از آلودگی ناشی از تأسیسات صنعت نفت است را نظارت بر (آلودگی صوتی)

آلودگی نفتی یکی از آثارش در واقع تخریب چشم اندازها می باشد و منجر به آلودگی بصری می شود مثلاً ایجاد یک پالایشگاه منجر بشود به اینکه یک چشم اندازی خاصی مخصوصاً چشم انداز دریایی ، آسیب ببیند و آلودگی بصری را در فضاهای انسانی و طبیعی ایجاد کند و این هم جزو وظایف سازمان محیط زیست است از لحاظ زیباسازی قابل تأمل است .)

در بند ب ← پیشنهاد ضوابط به منظور در واقع جلوگیری از آلودگی آب و خاک بخش و فضولات و هوا اعم زبالات و مواد کارخانجات و ... عواملی که مؤثر بر محیط زیست میباشد .

هم چنین اشاره شده که سازمان می تواند هر اقدام مقتضی را که به منظور حفظ محیط زیست لازم می باشد در چار چوب قوانین و مقررات البته با ملاحظه ی اشخاص انجام دهد .

اگر تبدیل را ملاحظه کنیم بند ب بسیار مهم است برای رعایت اقدامات زیست محیطی در صنعت نفت موضوع همکاری با سازمانهای بین المللی زیربند - آلودگی نفتی مثلاً در حوزه ی خلیج فارس حداقل باد و سازمان منطقه ای در مورد آلودگی ناشی از نفت و حوادث آلودگی و اقداماتی که ایران باید انجام دهد (دولت جمهوری اسلامی ایران) تعهدی داده ایم مثلاً همکاری با نهاد میمک (در مورد حوادث اضطرار آلودگی است) یکی از وظایف سازمان همکاری با سازمان های بین المللی در زمینه ی مهار آلودگی و حفظ محیط زیست و رعایت استانداردهای زیست محیطی در صنعت نفت . سازمانهای بین المللی متعددی در این زمینه فعال هستند مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی مرجع ملی متفاوتی دارد . و همکاری هایی داشته است . مرجع ملی این کنوانسیون هایی که این تکلیف را بر عهده ی ما گذاشته (همکاری با سازمانها) یا جهاد کشاورزی است یا سازمان حفاظت محیط زیست یا شیلات .

سازمانهایی که در زمینه مسایل آلودگی نفتی فعالیت دارند مخصوصاً در زمینه ی انرژی می توان یونپ (سازمان برنامه محیط زیست سازمان ملل متعدد) .

سازمان ایمو (سازمان برنامه ریزی دریانوردی بین المللی) .

سازمان یوان دی پی (سازمان برنامه ی توسعه ملل متحد) می توان نام برد که در این زمینه فعال هستند . پس یکی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست همکاری با سازمانهای مشابه خانگی . در مورد صنعت نفت مشخصاً ایران در حال حاضر با ایمو و یونپ .

در چار چوب کنوانسیون کویت و کنوانسیون مربوط به سوانح آلودگی نفتی همکاری می کند (۲ نهاد را کلی و میمک). اجرای طرحهای عمرانی ← این هم خیلی مبتلا منه است بعضی مواقع اجرای طرحهای توسعه ی نفت انتقال لوله نفت ، ایجاد مخازن و ...

حتی بهره برداری در مخازن و پالایشگاه بعضاً با استانداردهای محیط زیست سازگار نیستند که ماده ی ۷ آن را تعیین تکلیف کرده است . (تکلیفش را مشخص کرده) اگر بین وزارت نفت و سازمان محیط زیست اختلاف ایجاد شود و در زمینه ی توسعه حل و فصل اختلاف آن توسط رئیس جمهور می باشد . البته ما آیین نامه ی مربوط به نحوه ی حل اختلاف بین دستگاه های اجرایی که آنجا فرآیند رسیدگی اختلاف فرق دارد و اختلافات آنجا حقوقی است . (رئیس جمهور می تواند به هیئت دولت ارجاع دهد .)

-در ماده ۹ ممنوعیت آلودگی محیط زیست اقدام به هر عملی که موجب
لذا اگر فعالیتهای صنعت نفت منجر به آلودگی محیط زیست شود و آلودگی نفتی شود قانونگذار ممنوع کرده است . یک سری تکالیفی دارد سازمان در مورد آلوده کنندگان که عیناً در مورد آلودگی صنعت نفت صادق است وقتی یک بنگاه اقتصادی یا یک شخصی فعالیت اقتصادی انجام می دهد و منجر به آلودگی محیط زیست می شود این آلودگی می تواند منجر به مسئولیت مدنی یا مسئولیت جرایمی یا مسئولیت اداری این شخص شود در واقع در نوع نظارت دسته بندی می کنیم به ضمانت اجراهای مدنی یا جزایی یا اداری . سازمان حفاظت محیط زیست در مورد نظارت بر اجرای ضمانت های اداری ابتکار عمل دارد . و در ضمانت اجرای مدنی و جزایی از طریق اقامه ی دعوا عمل خواهد کرد

یکی از مواردی که اشاره شده صدور اخطاریه است و آیین آن هم اشاره شده در ماده ی ۱۱ ← ابتدا سازمان محیط زیست مراتب ایجاد آلودگی را کتباً و با ذکر دلیل به مسئول آلودگی اخطار می دهد و در آن اخطاریه قید می شود که ظرف مدت معینی آن آلودگی را رفع کند یا از ادامه ی فعالیت خودداری کند مرحله ی اول → در هر مرحله ای مثلاً اکتشاف بهره برداری و ذخیره سازی و ایجاد مخازن و ... ایجاد

آلودگی کند اولین مرحله مراتب را کتباً به مسئول عالی معمولاً مدیر عامل آن شرکت آلاینده اخطار دهد و یا برطرف کند آلودگی را یا از ادامه ی فعالیت خودداری کند.

اگر دستگاه مربوطه این آلودگی را جبران کرد و یا خودداری کرد که مشکلی نیست اگر مرجع آلوده کننده توجه نکرد میزان آلودگی را کاهش نداد یا آلودگی را از بین نبرد با تعطیل نکرد سازمان محیط زیست دستور ممانعت از فعالیت آن دستگاه (مرجع آلوده کننده) را صادر خواهد کرد.

البته اگر ذیل ماده ی ۱۱ را ببینیم این اجازه را به ذی نفع داده که نسبت به اخطار یا دستور سازمان حفاظت محیط زیست شکایت کند شکایت هم در دادگاه های عمومی مطرح خواهد شد پس مرحله ی دوم مرحله ی دستور است یک جا استثناء داریم (البته دادگاه می تواند شکایت و اخطار را ابطال کند)

یک جا استثناء داریم فرآیند اخطار و نظارت سازمان اونم جایی که میزان خسارات آلودگی بسیار شدید است و خطر فوری دارد و اینجا سازمان محیط زیست نیازی به صدور اخطاریه ندارد مستقیماً وارد فرآیند دستور می شویم. (رای دادگاه قطعی و غیر قابل تجدید نظر است) وقتی سازمان حفاظت محیط زیست طبق ماده ی ۷ اخطاریه و دستور را به دستگاه یا مرجع آلوده کننده ابلاغ کرد سازمان مربوطه (وزارت نفت یا شرکت های نفتی موظف هستند، که آن را متوقف کنند ادامه ی فعالیت منوط به اجازه ی سازمان یا رای دادگاه است در غیر این صورت متخلف را محکوم کرده به جزای مقرر شده ذیل ماده ی ۱۱ البته سازمان حفاظت محیط زیست این جزء را مشخص و تعیین نمی کند و صلاحیت ندارد دادگاه حقوقی جزایی صادر می کند .

قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی

قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی ← نظام حقوق محیط زیست در صنعت نفت
را بر اساس مراحل فعالیت نفتی دسته بندی می کنند ۱۰ مرحله ی ۱- اکتشاف ۲-
حفاری ۳- استخراج ۴- بهره برداری ۵- انتقال ۶- مرحله ی ذخیره سازی ۷- تصفیه

و پالایش ۸- توزیع فرآورده های نفتی ۹- صادرات و واردات ۱۰- مصرف منابع انرژی

تصور اولیه ای که در ذهن وجود دارد این است که ما فکر می کنیم استانداردهای مربوطه بیشتر مربوط به صنایع بالادستی است. در حالی که بخش بزرگی از دغدغه های زیست محیطی مربوط به فعالیت های پایین دستی است و بعد از پالایش است مشخصاً در مورد مصرف انرژی است به همین دلیل قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی معرفی می شود

-استانداردهای زیست محیطی در مرحله ی مصرف انرژی ← در زمان سوختگیری نفت کشها نفت بیرون نریزد -نصب حسگرها- هدفمندی سوخت- برچسب الگوی مصرف انرژی

در مرحله ی مصرف منابع نفتی و گازی استانداردهای زیست محیطی متعددی داریم قانون مصرف انرژی یا این رویکرد بعضی از قواعد را معرفی کرده در ماده ی ۱ قانون اصلاح الگوی مصرف بیان کرده «بدون کاستن ...اتلاف انرژی جلوگیری کنیم» ← یعنی همین ۱۰ مرحله

بعضی از این ها در مرحله ی استخراج است آلودگی نفتی بیشتر در عملیات بالادستی نفت است.

چهارپنج مرحله ی اول است اما برخی از اینها مربوط به مرحله ی مصرف است مثل لزوم برچسب مصرف انرژی و ماده ی ۱ بیان می کند بهینه سازی مصرف انرژی و توسعه پایدار را و کمک به حفاظت محیط زیست.

قانون اصلاح الگوی مصرف یک تکلیفی را بر عهده ی وزارت نفت گذاشته جمله ی راستای بهینه سازی مصرف سوخت اقداماتی انجام دهد از جمله: فناوری های نوین مصرف انرژی در بخش های مختلف مصرف، کاهش هزینه های دراز مدت و ...

در اسلاید ۹۷ موجود است و از همه مهمتر توجه به انرژی تجدید پذیر و انرژی های نو یا استفاده از تأسیساتی که ترکیبی هستند تکالیف وزارت نفت در ماده ی ۹ موجود است سایر دستگاه های اجرایی هم باید تلاش کنند که در مرحله ی مصرف

بهترین الگوی مصرف انرژی را داشته باشند و ملاحظات شدت انرژی را در نظر بگیرند.

ماده ی ۱۵ آن دسته از مقرراتی که در راستای ماده ی ۱۵ از جمله مصوبه ی شورای عالی اداری (دولت سبز) زمینه های استقرار دولت اکولوژیک دولتی که گرین است .

اداره ی اکولوژیک پس یکی از وظایفی که سایر سازمانها و دستگاه ها در حیطه ی زیست محیطی در مرحله ی مصرف انرژی دارند مسئله ی استفاده از الگوهای بهینه اصلاح مصرف انرژی است.

بخشی از ماده ی ۱۵ گفته ← کلیه ی دستگاه های اجرایی، نهادها، موسسات و ... و کلاً نهادهای دولتی و غیر دولتی ها استثناء هستند و بالطبع چون بخش عمده ای از هزینه های شرکت های غیر دولتی از هزینه ی انرژی است . حتی نیروهای نظامی و انتظامی را استثناء نکرده در کنوانسیونهای بین المللی کشتی های نظامی را از شمول مقررات زیست محیطی مستثنی کرده ولی اینجا آنها را موظف کرده که تجهیزات و ماشین آلات خود را بر اساس الگوی مصرف تهیه کنند در حال حاضر بر اساس مقررات استاندارد زیست محیطی سازمان استاندارد تمام تولید کنندگان ماشین آلات موظف هستند بر چسب مصرف انرژی را نصب کنند و دستگاههای اجرایی بر اساس الگوی مصرف انرژی نسبت به خرید این کالا ها اقدام کنند.

بحث دیگری (تکلیف) در قانون مصرف انرژی بحث ممیزی است

از آن دسته از مصرف کنندگان کلان(ماده ی ۲۴) ...

ماده ی ۴۶ دقیقاً مرتبط هست با صنایع پایین دستی نفت مرحله ی پالایش تا مصرف، آنها را موظف کرده که تمامی اشخاص حقیقی یا حقوقی در ایجاد واحدهای جدید نسبت به بکارگیری ... در متن اسلاید موجود است بنابراین یک تکلیفی بر صرفه جویی انرژی در کلیه ی مجریان طرح های نیروگاهی و پالایش گاهی گذاشته در مرحله ی پایین دستی در واقع سامانه بازیافت انرژی را داشته باشد که به نوعی از هدر رفت انرژی جلوگیری کنند.

قانون نفت

سومین قانون مهم قانون نفت است قانون نفت یک تکلیف زیست محیطی عام را بر وزارت نفت بار می کند جلوگیری از آلودگی محیط زیست (آب، خاک و هوا) است.

چهارمین قانون، قانون وظایف و اختیارات (اسلاید ۱۰۲) وزارت نفت است. طبیعی است وزارت نفت تکالیف متعددی را در حوزه ی اختیارات خود دارد که بعضی از آنها در حوزه ی زیست محیطی اند اکولوژیکی اند بند ۴... و بند ۹...

قانون تکالیف را ← تقسیم کرده به امور حاکمیتی و نظارتی اسلاید ۱۰۳
اگر ملاحظه کنیم قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تقسیم بندی امور حاکمیتی و نظارتی ماده ی (۳) وظایف متعددی را ذکر کرده که ماسعی کردیم آن قسمتی از وظایف وزارت نفت که مرتبط با حفظ محیط زیست هم را ارائه دادیم.
-وظایف و اختیارات زیست محیطی وزارت نفت را توضیح دهید؟ یا وزارت نفت در چارچوب وظایف و اختیارات چه وظایفی دارد؟
اصل ۵۰ و ۴۵ قانون اساسی کلیه اند و مهم اند .

قانون حفاظت دریاها و رودخانه های مرزی از آلودگی به مواد نفتی

قانون حفاظت دریاها و رودخانه های مرزی از آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ در ماده ۵ این قانون تکلیف سازمان بنادر و کشتیرانی مطرح شده . منظور از آب توازن در این ماده چیست ؟

وقتی نفت کشتها نفت را به میزان تناژ خاصی که مشخص شده بارگیری می کنند ؛ هنگام تخلیه نفت در مقصد ، برای اینکه توازن کشتی به دلیل تخلیه تمام یا بخشی از نفت در مقصد به هم نخورد، می آیند به جای نفت تخلیه شده آب بارگیری می کنند و بعدا هنگام رسیدن به ساحل که می خواهند مجددا نفت بار بزنند آب توازن را تخلیه و نفت را بارگیری می کنند ، همچنین موقع بارگیری سایر مواد شیمیایی - البته آب توازن نفتی شایعترین آب توازن است -

برای اینکه این تخلیه آب توازن آثار زیان بار زیست محیطی نداشته باشد آمدند آنرا با وضع قوانینی نظام مند کردند ، از جمله کنوانسیون آب توازن کشتی که ایران هم عضو آن شد و ایران تعهداتی هم در همین راستا پذیرفته و همینطور این ماده ۵ قانون فوق الذکر .

ماده ۶ - موضوع دیگر در این ماده ، بحث بیمه نمودن نفت کش هاست ، میزان ریسک حمل و نقل از نظر آثار زیست محیطی بالاست ، درموقع حادثه یا به عمد. چون مسئولیت صاحبان کشتی ممکن است تکافوی خسارات وارده را نکند ، چه در کنوانسیونهای بین المللی و چه در قوانین داخلی بیمه الزامی است (بعداز حادثه نفتی تری کانین این موضوع مورد توجه جدی قرار گرفت). حتی گاهی میزان خسارت احتمالی ناشی از آلودگی و آثاری که بر محیط زیست دارد آنقدر زیاد است که چند شرکت بعنوان بیمه گر وارد میشوند (های ریسک است). البته این ماده اجازه داده که اگر بیمه نداشته باشند امکان ارائه تعهد مالی برای جبران خسارت دارند.

ماده ۹ - جرم انگاری آلودگی نفتی در نظام حقوقی ایران صورت گرفته - بصورت عام در ق مجازات و بصورت خاص در همین قانون - دو فرض قائل شده : آلودگی عمدی مجازاتش سنگین تر است و آلودگی غیر عمدی.

ایراد: کیفر حبس و جزای نقدی ، کیفر مطلوبی برای حوزه محیط زیست نیست - مخصوصا حبس - چه بسا برای شرکتی از لحاظ اقتصادی به صرفه تر باشد که آب توازن را تخلیه کند و بعد جزای نقدی اش را بپردازد یا ایجاد تصفیه خانه برایش بیشتر هزینه داشته باشد یا فروش پوست پلنگ بسیار گرانتر از جزای آنست (بحث اقتصاد جرم). اصطلاحا به این نوع کیفر وضع کردن می گوئیم فروش جرم یا جرم فروشی. مگر آن که جزای نقدی دریافتی دوباره صرف بازسازی محیط زیست شود.

سیاست جنایی پیش گرایانه هم رعایت نشده ، جنبه بازدارندگی اش کم است . امروزه کسی که اقدام به ایجاد آلودگی کرده را ملزم میکنند به رفع آلودگی ، یعنی نوعی مشارکت در حفظ محیط زیست که این بهتر است.

قانون مجازات اسلامی

ق . مجازات اسلامی هم بصورت عام آمده در ماده ۶۸۸ تهدید علیه بهداشت عمومی را جرم انگاری کرده و مصادیق آنرا بیان کرده و باز کیفر حبس را معین کرده.

ارتباط ماده ۶۸۸ با آلودگی های زیست محیطی در صنعت نفت چیست؟ ریختن مواد سمی در رودخانه ها ، آلودگی آب ناشی از دفع فضولات. نفت بعنوان یک ماده شیمیایی می تواند یکی از عناصر مادی جرم تهدید علیه بهداشت عمومی تلقی شود. این ماده یک قاعده عام است ، یعنی چنانچه بموجب یک قانون خاص مجازات سنگین تری برای آن جرم پیش بینی شده باشد دیگر مجازات ماده ۶۸۸ اعمال نمی شود.

آیین نامه ها و نظام نامه ها

میزان مقررات دولتی ، آیین نامه ها و دستور العمل هلی زیست محیطی زیاد است ، مخصوصا آیین نامه های وزارتی ، در نتیجه احازه به آنها دشوار است. دیگر اینکه باید این مقررات در راستای قوانین بالادستی در نظر گرفته شود ، آیین نامه نمی تواند مجازات تعیین کند ، مگر قانونگذار اجازه داه باشد. مشهورترین آیین نامه اجرایی قانون حفاظت دریاها و رودخانه های مرزی از آلودگی به مواد نفتی ، آیین نامه اجرایی ق حفاظت و بهسازی محیط زیست

امروزه لوله های نفت و گاز بسیار از رودخانه ها عبور میدهند که ممکن است توجیه فنی و اقتصادی برای کشور داشته باشد ولی توجیه زیست محیطی ندارد : مثلا نشت نفت از این لوله ها چه بخاطر پوسیدگی لوله ها چه بموجب حادثه موجب انتشار آلودگی می گردد (یا عمدی یا غیرعمدی

ایراد : این ماده خلاف اصل عمومی حفاظت از محیط زیست است. اصل اینست که لوله از مناطق حفاظت شده، پارک ملی ، پناهگاه حیات وحش ، از اثر طبیعی ملی (مناطق چهارگانه محیط زیست) عبور نکند ، مگر استثناء یعنی توجیه فنی و زیست

محیطی داشته باشد و با موافقت سازمان ذیربط. لوله بخواهد از این مناطق چهارگانه عبور کند نیازمند موافقت سازمان حفاظت محیط زیست است. اگر قرار باشد از جنگلها عبور کنند موافقت منابع طبیعی لازم است. اگر بنای فرهنگی را تحت تاثیر قرار بدهد موافقت سازمان میراث فرهنگی - طبق حکم این ماده وزارت نیرو تنها مجوز صادر میکند، ولی موافقت را باید سازمان ذیربط بدهد -

یکی از روشهای پیشگیری از آلودگی های نفتی وضع استانداردها - دو دسته اجباری و اختیاری - است .

اصل پیشگیری از آلودگی یک Golden Rull است.

شاخص ترین: HSE استانداردهای نظام مدیریت بهداشت ، ایمنی و محیط زیست در مجموعه های صنعتی ، مشخصا در نفت و گاز. در شرکتهای بزرگ نهادهای HSE موجود است.

و دیگری استانداردهای ایزو که عامتر از HSE است و در بیشتر حوزه هاست. ایزو یک سازمان استاندارد بین المللی و یک NGO است. بخشی از این استانداردها بطور مستقیم استاندارد زیست محیطی اند و بعضی غیرمستقیم - مثل استانداردهای کیفیت - هدف سازمان ایزو ایجاد الزام در ملاحظات زیست محیطی است مخصوصا آنجا که استانداردهای اجباری را بیان میکند. امروزه دریافت استانداردهای ایزو توسط شرکتهای نفتی نشانه اعتبار آن شرکت است ، همین امر باعث میشود موازین زیست محیطی را هم رعایت کنند - بیشتر در صنایع پایین دستی نفت.

قسمت دوم- اسناد بین المللی

آلودگی نفتی فقط یک کشور را درگیر نمی کند ، بلکه ممکن است به ماورای مرزهای کشور انتقال پیدا کند. همچنین با مطرح شدن جدی محیط زیست در ح بین الملل، اسناد بین المللی شکل گرفتند. غالب این اسناد عموما غیر الزام آور (اصطلاحا

Soft Law یا حقوق نرم یا حقوق قوام نیافته) هستند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع محیط زیست می پردازند :

۱- اعلامیه استکهلم

محوری ترین سند بین المللی است. کمتر کتاب حقوق محیط زیست است که به این اعلامیه اشاره نکند. این اعلامیه آغازگفتمان حقوق محیط زیست در جهان است (سالهای ۱۹۷۰) و به لحاظ محورهای مسائل زیست محیطی که در آن مطرح شده با اهمیت است ، مخصوصا در مورد انرژی های فسیلی و نفت و گاز .

- درست است که اعلامیه استکهلم غیر الزام آور است ، اما تاثیر آن نظیر تاثیر اعلامیه جهانی حقوق بشر است ؛ یعنی بعدا منشاء اثر در تصویب قوانین زیست محیطی شد و کنوانسیونهای متعددی متاثر از آن تصویب و اجرا شد . معنی Soft Law هم همین است ، یعنی حقوقی که بعدا منجر به تشکیل قاعده الزام آور شود.

حق بهره مندی از محیط زیست در اصل اول . حفاظت از منابع طبیعی به عنوان یک قاعده عام در اصل دوم مطرح شده. اصل سوم " ظرفیت زمین برای تولید منابع قابل تجدید حیاتی باید حفظ شود " با بحث سیاستهای انرژی نفت و گاز و انرژیهای تجدید پذیر و پایداری انرژی ارتباط پیدا میکند. اصل چهارم مدیریت عاقلانه میراث حیات وحش - بنابراین اگر آلودگی نفتی موجب نابودی گونه های حیات وحش شود مسئولیت آور است - اصل پنجم منابع تجدید ناپذیر مثل گاز ، زغال سنگ ، آب مخصوصا آب شیرین. اصل پنجم مهمترین اصل مرتبط با نفت و گاز است.

اصل ششم و هفتم هم مرتبط با نفت است. اصل نهم مدد گرفتن از تکنولوژی های دوستدار صنعت نفت که گسترش آن وظیفه دولتهاست . اصل چهاردهم به عنوان یک قاعده کلی مطرح شده. امروزه مصداق بارز توسعه ، توسعه صنعتی است که در نتیجه اکتشاف حیرت انگیز منابع انرژی بخصوص نفت و گاز حاصل شده ؛ بحث جدی مطرح شده در مورد تعارض ملاحظات توسعه با نیازهای محیط زیست و ایجاد آشتی میان آنها که در این اعلامیه آمده.

غیر از منابعی که برای محیط زیست برشمردیم ، عرف هم مطرح است (عملی که به واسطه تکرار جنبه الزامی به خود بگیرد).

۲- اعلامیه ی ریو ۱۹۹۲

بحث محوری این اعلامیه توسعه ی پایدار است و نتیجه ی این نشت پنج سند مهم در زمینه ی محیط زیست می باشد که سه سند غیر الزام آور و دو سند الزام آور و در چار چوب معاهده ی کار می باشد . سه سند غیر الزام آور بیانیه ی ریو ، دستور کار ۲۱- سوم اصول جنگل .

دو سند در چار چوب یک معاهده ی بین المللی تنظیم شده تحت عنوان معاهده ی بین المللی تنوع زیستی و کوانسیون تغییرات آب و هوایی . اعلامیه ریو گفتمان توسعه پایدار را حوزه ی محیط زیست وارد کرد به گونه ای که قبل از اعلامیه ریو موضوع توسعه ی پایدار و ملاحظات حوزه ی اقتصاد و محیط زیست چندان قابل توجه نبود و سنجیده نمی شده .

اهمیت اعلامیه ی ریو مربوط می شود به مفهوم توسعه ی پایدار .

موضوع بسیار مهمی که ریو بر آن تأکید دارد و به مثابه ی یک قاعده ی عرفی حقوق محیط زیست شکل گرفت و توسعه یافت و تا به امروز مسئله ی ممنوعیت استفاده ی خسارت بار از سرزمین

← اصل دوم که از قواعد عرفی است و در دعاوی نفتی بسیار کاربرد دارد اگر ما بخواهیم محوری ترین قاعده ی عرفی را در حقوق محیط زیست در ارتباط با آلاینده های نفتی را معرفی کنیم همین قاعده است که اعلامیه ی ریو صحنه گذاشته ممنوعیت استفاده ی خسارت بار از سرزمین

موضوع توسعه موضوع مهمی است و انرژی نفت و مسائل مرتبط با نفت ارتباط تنگاتنگی با توسعه ی کشورها و مخصوصاً در حوزه های اقتصادی و اجتماعی دارد . یکی از بحث های چالشی مرتبط با محیط زیست و توسعه نسبت این دو مفهوم است حق بر توسعه و حق بر محیط زیست می باشد اصل سوم سعی کرده بین این دو آشتی برقرار کند . طبعاً افزایش و نیاز به توسعه ی شتاب آلود ما را نیازمند به بهره

بررداری بیشتر از محیط زیست و منابع طبیعی کرده و بهره برداری بیشتر از منابع طبیعی به معنای ایجاد آلودگی است لذا اعلامیه ریو از کشورهای خواهد در فرایند حق توسعه ملاحظات زیست محیطی را مد نظر قرار دهند و حق نسلهای آینده به صورت عادلانه تأمین کنند .

مسئولیت مشترک تعهد تمام کشورها را یادآوری می کند اعم از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته یا کمتر توسعه یافته و وظیفه حفظ محیط زیست را بر عهده ی دارند اما متفاوت ناظر مسئولیت است که برخی کشور در زمینه محیط زیست را بر عهده دارند اما متفاوت ، ناظر به مسئولیتی است که برخی کشور در زمینه جبران خسارت آلودگی محیط زیست هستند در اسناد بین المللی کشورهای توسعه یافته تعهدات و مسئولیتها بیشتری را در زمینه ی حفظ محیط زیست بر عهده دارند .

موضوع استفاده ی بهینه ی انرژی می باشد

لزوم جبران خسارات زیست محیطی مخصوصاً اصل ۱۳ ریو تأکید می کند که کشورها باید به منظور تضمین جبران خسارات قوانینی را تدوین کنند هم چنین مجازات عاملان تخریب محیط زیست.

-در بحث مصرف انرژی به زنان توجه کرده اعلامیه ی ریو ← اسلاید ۱۴۷ در

استفاده از منابع آبی و اقتصاد انرژی و اقتصاد خانواده و ...

جنگ و درگیریها و مخاصمات داخلی بین المللی اثرات جدی را بر محیط زیست کشورها می گذراند لذا دولتها موظفند هنگام درگیریها قواعد مربوط به حفظ محیط زیست را رعایت بکنند. ارتباط این موضوع با ایجاد آلودگی شدید نفتی در خلال مخاصمات مسلحانه است. تجربه ی جنگهای گذشته مخاصمات کشورها نشان داده که آنجایی که منابع نفتی وجود دارد معمولاً آسیب شدید و جدی به تأسیسات وارد شده و آلودگی شدیدی از خود صادر کرده و به عنوان مثل جنگ ایران و عراق و جنگ نفت.

حقوق بین الملل در زمینه ی ممنوعیت آسیب به محیط زیست در خلال درگیری های مسلحانه اعم از داخلی با بین المللی قواعدی عرفی را ذکر کرده که می توانیم

این قواعد را در چارچوب کنوانسیونهای چهارگانه ی ژنو، پروتکل اول در مخاصمات مسلحانه ی بین المللی و پروتکل دوم مخاصمات غیر مسلحانه ی بین المللی ملاحظه داشته باشیم مخصوصاً مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل اول کنوانسیونهای ۴ گانه ژنو. در مخاصمات مسلحانه ی داخلی ماده ی ۳ مشترک کنوانسیون ۴ گانه و پروتکل دوم. مثلاً طبق یک قاعده ی عرفی کشورهای درگیر نمی توانند خسارات شدیدی را به محیط زیست وارد کنند. نباید حمله به گونه ای باشد که آسیب به آثار زیست محیطی و غیر قابل جبران به سکنه ی غیر نظامی باشد یا حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک بر اساس قواعد جنگ محدود و ممنوع شده بر اساس پروتکل اول و دوم کشورها نمی توانند به تأسیسات نیروهای خطرناک مثلاً سدها و پالایشگاهها حمله کنند.

مواردی از نقض حمله به نیروهای خطرناک را می توان حمله به چاههای نفت ایران در جنگ تحمیلی نام برد. (چاههای نوروز)

رابطه ی صلح و محیط زیست و توسعه بعضی مواقع در مخاصمات و وضعیت جنگی منابع طبیعی می تواند هم صلح را تحت تأثیر قرار بدهد و هم از صلح تأثیر بگیرد مثلاً برخی از جنگ های آفریقا بر سر منابع طبیعی است (جنگ آینده بر سر آب است). جنگ در خاور میانه بر سر انرژی است. امروز منابع طبیعی بر جنگ تأثیر می گذارد مثلاً امروزه درگیریهای آفریقا معمولاً شورشیان از محل فروش منابع نفتی سعی در تأمین مالی کرده. داعش با فروش منابع نفتی تأمین مالی می کند. بنابراین وقتی ريو به مسئله ی صلح و محیط زیست می پردازد اشاره به چنین موانعی که تأثیر و تأثر محیط زیست از جنگ و محیط زیست می کند.

دستورالعمل ها

بخش عمده ای از منابع غیر الزام آور را به خود اختصاص داده در چارچوب نظام حقوقی اتحادیه ی اروپا دستورالعمل ها معمولاً اهداف را تعیین می کنند و بر خلاف مقررات و تصمیمات باید در قوانین داخلی کشورهای عضو به شکل قانون تبدیل شوند.

در این جلسه نظام حقوقی قراردادی بین المللی زیست محیطی مرتبط با صنعت نفت را معرفی کنیم و ضمن آن اشاره ای به چالش های حقوق بین الملل محیط زیست در ارتباط با مسائل مربوط به آلودگی نفتی و سوانح ناشی از آلودگی نفتی و سایر فعالیت های زیست محیطی مرتبط با با صنعت نفت پردازیم که این بخش، بخش عمده ای از مباحث ما را به خود اختصاص می دهد. محور مباحث حقوق بین الملل محیط زیست در ارتباط با فعالیتهای صنعت نفت و گاز چند مسئله است موضوع مربوط به آلودگی نفتی است بعضی از این آلودگی ها ناشی از حوادث غیر عمدی و برخی ناشی از حوادث عمدی است. موضوع دیگر سوانح آلودگی نفتی است و خلیج فارس هم مورد توجه ویژه ایمو قرار گرفته .

تعهدات کلان و خرد دولتها در زمینه آلودگیهای نفتی

در جلسات نخست محور مطالب در مورد نظام ملی حقوق محیط زیست بود در ارتباط با صنعت نفت . تعهدات عمومی دولتها در جلسه ۷ آغاز کردیم . تعهدات بین المللی را به دو دسته تقسیم کردیم دسته ی اول ← تعهدات عام مثل تعهد به همکاری و حسن همجواری و احترام به حاکمیت دولت بر منابع طبیعی و دسته ی دوم ← تعهدات خاص مثل تعهدات قرار داری این تعهدات سبقه ی تعهدات قراردادی دارند و این به معنای این نیست که کنوانسیون های بین المللی محیط زیست خالی از عرف باشند . مثلاً استفاده از غیر زبان بار از سرزمین ریشه در عرف دارد .

تعهدات کلان:

- ۱: ممنوعیت استفاده خسارت بار از سرزمین
- ۲: حسن همجواری
- ۳: منع آسیب نامتعارف
- ۴: همکاری مابین کشورها براساس حسن نیت

۵: تبادل اطلاعات

۶: منع آسیب یا خسارات شدید زیست محیطی

تعهدات خرد:

۱: لزوم ارائه طرحهای اضطراری آلودگی نفتی از سوی نفتکشها یا دولت صاحب

پرچم

۲: فوریت گزارش آلودگی نفتی

۳: اقدام در صورت دریافت گزارش آلودگی (توسط دولت ساحلی یا صاحب پرچم

یا سایر دول)

۴: اطلاع رسانی دولت متعاقد به سایر دول متاثر از سانحه

۵: ایجاد سیستم ملی سریع و موثر مقابله با آلودگی نفتی

۶: همکاری بین المللی دولتها در زمینه مقابله با آلودگی

۷: انجام تحقیقات مربوط به کاهش اثرات آلودگی نفتی

۸: تعهد به همکاریهای فنی

۹: داشتن سیستمهای مخازن مجزای آب توازن و شستشو با نفت

۱۰: جبران خسارت آلودگی نفتی (ذیل کنوانسیون ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و تعهدات عرفی)

۱۱: بیمه کردن کشتیهای حامل نفت

کنوانسیون ۱۹۵۴ لندن

کنوانسیون ۱۹۵۴ لندن یک کنوانسیون قدیمی است در زمینه ی جلوگیری از آلودگی نفتی است . و در زمانی نوشته شده که مسائل زیست محیطی به صورت جدی مطرح نیست و هنوز فاجعه ی نفتی تری کانیون اتفاق افتاده اما با توجه به اهمیت و گسترش فعالیتهای مربوط به استخراج و اکتشاف و انتقال نفت مخصوصاً در اقیانوسها و دریاها مهمترین سندی که در این زمینه تصویب می رسد به سالهای ۱۹۴۵ می رسد . این کنوانسیون چند تعهد را در زمینه ی آلودگی نفتی بر عهده ی کشورها گذاشته ← اسلاید ۱۵۴ تخلیه ی در فاصله ی ۵۰ مایلی ممنوع کرده و اعمال نظارت بر نفتکشها

یکی از کنوانسیون هایی که ایران به آن پیوسته و تعهداتی را پذیرفته کنوانسیون ۱۹۹۰ لندن در مورد مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی است. بر اساس تعهدات این کنوانسیون هر یک از دولت‌ها موظف هستند **طرح‌های اضطراری آلودگی نفتی** را در کشتی مصوب استانداردهای ایمو مقرر و پیش بینی کنند بنابراین نفتکش‌ها و کشتی‌ها باید طراح اضطراری را بر اساس استانداردهای ایمو داشته باشند همانطور که در بند ۲ ماده ۳ پیش بینی شده. توجه داشته باشید تعهدات زیست محیطی دولت‌ها در ارتباط با آلودگی نفتی مهم می‌باشد.

بند ۲ ماده ۳ چنین وضعیتی را ما تحت عنوان تعهد به اقدام ملی می‌دانیم. -کنوانسیون ۱۹۹۰ لندن از گروه‌های مختلفی که به نوعی با مسئله آلودگی نفتی پیوند می‌خورند می‌خواهد که آلودگی نفتی را به فوریت گزارش کند.

۲- تعهد به گزارش فوری آلودگی نفتی

، گاهی اوقات حادثه‌ی آلودگی نفتی اتفاق افتاده مثلاً یک کشتی دچار نشت نفت شده ناحیه‌ی تری کانیون که خلبانی آلودگی را به دولت ساحلی گزارش داده است مقامات دولت ساحلی وظیفه‌ی تعهد به اقدام در صورت دریافت گزارش را آلودگی اعم از اینکه دولت ساحلی باشد یا دولت پرچم. در حادثه‌ی تری کانیون دولت انگلستان کشتی تری کانیون را بمباران کرده یک ارزیابی از وسعت و عواقب آلودگی داشت و برای پیشگیری از آلودگی ناچار آن را بمباران نمود تا نفت سوخته شود و از پخش و گسترش آن جلوگیری کند.

تعهد به اطلاع رسانی

تعهد پنجم ایجاد سیستم ملی سریع و مؤثر مقابله با آلودگی نفتی با اسلاید کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد که یک سیستم جهت مقابله سریع با آلودگی نفتی ایجاد کنند. البته می‌توانند از همکاری‌ها دوجانبه و چند جانبه استفاده کنند. مثلاً در خلیج فارس نهاد میمک در راستای طرح‌های آلودگی نفتی ایجاد شده.

تعهد ششم همکاری بین المللی دولت‌ها در زمینه‌ی آلودگی نفتی کنوانسیون لندن از دول عضو می‌خواهد با توجه به توانایی‌های خود و منابع خود به تقاضای عضوی

که از سانحه ی نفتی متأثر شده یا احتمال وجود دارد تا تأثیر پذیرد با آنها همکاری نمود و خدماتتپ مشورتی و پشتیبانی وفنی را یاد بگیرد اسلاید ← ۱۶۲
ایران در قضیه خلیج مکزیک چنین پیشنهادی را به آمریکا داد .

به انجام تحقیقات کاهش اثرات آلودگی نفتی تا فناوری های نوین اعم از فناوری های مربوط به انتقال نفت چه از طریق خطوط لوله و چه از طریق نفتشکها می توانند فناوری های ایمن باشند این امر مقدور نمی باشد مگر با همکاری کشورها در زمینه ی تحقیقاتی که می تواند باعث کاهش آلودگی نفت باشد منظور از سازمان ← ایمو می باشد .

تعهد به همکاری فنی

همه ی کشورها از نظر فنی و تکنولوژی در یک سطح نیستند و از نظر فنی مزیت و برتری دارند و برخی ضعیف اند و دانش لازم ندارند کنوانسیون لندن تعهد جالبی را برای اعضا در نظر گرفته آنهم اینکه اگر یکی از اعضای این کنوانسیون مثلاً کشور آفریقایی از دیگر اعضا تقاضای کمک فنی بنماید یا از طریق ایمو...بخواهد این کشور مکلف به انجام همکاری فنی است.(الزام آور است)

در دریای آزاد کشورها صلاحیت سرزمینی را اعمال نمی کنند آیا در صورتی که یک کشتی دچار سانحه ی نفتی شود کشورها تعهد به تکلیفی را در چنین قلمرو و سرزمینی را دارند؟ مثلاً در اقیانوس آرام یک کشتی حادثه ی نفتی ایجاد کند، کنوانسیون ۱۹۶۹ بروکسل سعی کرده قواعد بین المللی ناظر به مداخله ی دولتها در دریای آزاد را در بروز سانحه ی دریایی توضیح دهد ایران جزو کنوانسیون می باشد. قلمرو کنوانسیون بروکسل دریای آزاد و یک اجازه ی کلی به کشورهای عضو کنوانسیون می دهد که برای پیشگیری و رفع شدت آلودگی اقداماتی را در دریای آزاد به عمل آورند.

اما بعضی مواقع وضعیت اضطراری است کشور عضو کنوانسیون می تواند بدون اطلاع قبلی یا مشورت به کشور صاحب پرچم اقداماتی را در این زمینه انجام دهد. غرق کشتی ساخاروف و کشتی تری کانیون از این جمله اند

کنوانسیون مارپول

یک سند کلیدی است برای ما موضوع آن جلوگیری از آلودگی نفتی ناشی از کشتیها ← تعهد بعدی

- کنوانسیون ۱۹۵۴ کلی بود در مورد آلودگی دریا توسط نفت اعم از کشتی یا غیر کشتی

- کنوانسیون ۱۹۹۰ در مورد همکاری در مقابله با آلودگی نفتی بود و قلمرو آن وسیع است

- کنوانسیون بروکسل در مورد مداخله در دریای آزاد در صورت بروز سانحه دریایی است اما موضوع مارپول ۱۹۷۳ آلودگی نفتی ناشی از کشتیها است که به ایما ایجاد شده کنوانسیون دیگر در زمینه ی آلودگی نفتی کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن است که عام می باشد و پیرامون مسائل آلودگی ناشی از تخلیه ی پسماندها و مواد زاید است.

مسئله ی بسیار مهم دیگر مسئولیت ناشی از خسارات آلودگی نفتی است در این زمینه اسناد متعددی به تصویب رسیده است از جمله کنوانسیون ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ و ... لذا تعهد جبران خسارات آلودگی نفتی، کنوانسیون ۱۹۹۲ به این موضوع پرداخته و سعی کرده یک صندوق بین المللی برای جبران خسارت آلودگی نفتی را ایجاد کنند با ایجاد صندوق کنوانسیون ۱۹۹۲ لندن به دنبال ایجاد اطمینان از جبران خسارات ناشی از آلودگی است و سعی می کند قربانیان خصوصی و عمومی ناشی از تخلیه نفت را خساراتشان را جبران کند.

تعهد دیگر ← تعهد به بیمه کردن نفتکشها است به دلیل خسارات غیر قابل جبران و سنگین و ریسک بسیار بالایی دارند و از عهده ی مالک کشتی ها بر نمی آید.

-تعهدات خاص کشورها در زمینه ی آلودگی نفتی

از جمله تعهدات خاصی که کشورها در زمینه ی آلودگی نفتی دارند شامل ارائه ی طرح های اضطراری آلودگی نفتی از سوی نفتکشها یا دولت صاحب پرچم و تعهد به فوریت گزارش به آلودگی نفتی - اقداماتی که کشورها باید انجام دهند . اطلاع رسانی از سوی دول متعاقد - ایجاد سیستم ملی صریح و مؤثر مقابله با آلودگی نفتی - همکاری بین المللی دولتها در زمینه ی آلودگی نفتی (۱۲ تعهد خاص دولتها و ۴ مورد تعهد عام دولتها)

انجام تحقیقات مربوط به کاهش اثرات آلودگی نفتی ، تعهد به همکاری فنی در زمینه آلودگی نفتی ، لزوم فراهم نمودن سیستم های مخازن تصفیه و هم چنین مخازنی جدا برای آب توازن و شستشو با نفت ، تعهد به جبران خسارات نفتی (هم بعد قراردادی و هم بعد عرضی دارد) و موضوع بیم نمودن نفتکشها و کشتی ها در کنوانسیون ۲۰۰۱ بحث نمودیم این مباحث را .

-کنوانسیون ۲۰۰۱ لندن خسارات آلودگی را این چنین تعریف کرده اسلاید ۱۷۶ ← مسئولیت مالک کشتی در مقابل خسارات ناشی از نفت سوخت در کشتی است . مالک کشتی مسئول خسارات آلودگی ناشی از نفت سوخت است و اگر صاحب کشتی بیش از یک نفر باشد مسئولیت تضامنی می شود . و موارد معافیت مسئولیت مالک هم وجود دارد . ماده ی ۳ کنوانسیون .
کنوانسیون ۲۰۰۱ فروض مختلفی را در نظر گرفته .

هم چنین کلیه ی کشتی های حامل نفت از آن جایی که مسئولیت آنها زیاد است بر اساس تناژ کشتی ، مسئولیت خود را نزد شرکتهای بیمه ، بیمه کنند و کنوانسیون ۲۰۰۱ لندن اجازه مراجعه مستقیم به بیمه گر را هم داده است .

-منطقه ی دریای خزر ، تعهداتی که دولت جمهوری اسلامی ایران و دولتهای حاشیه ی خزر درباره ی آلودگی نفتی دریای خزر وجود دارد . دریاچه ی خزر نسبت به خلیج فارس درباره ی آلودگی نفتی مبتلا نیست کنوانسیون ۲۰۰۳ تهران درباره ی حفاظت از محیط زیست دریای خزر اشاره ای به بحث آلودگی های منابع

واقع در خشکی و اکتشاف نفت در دریا مورد توجه قرار داده و یک پروتکل پیش بینی نموده برای مقابله با سوانح آلودگی نفتی در دریاچه ی خزر. پروتکل آمادگی و واکنش و همکاری منطقه ای در مبارزه با سوانح آلودگی نفتی نتیجه ی مذاکرات در چارچوب کنوانسیون ۲۰۰۳ تهران طراحی شد.

-تعهدات عمومی کشورهای حوزه ی دریای خزر

از موارد جدید تعهدات بین المللی ← ایجاد سازکارهای منطقه ای است و تبادل اطلاعات تعهد به کمک رسانی سانحه آلودگی نفتی در چارچوب کنوانسیون کویت دو نهاد مشخص راپمی و میمک برای مبارزه با آلودگی نفتی -اطلاع رسانی فجایع آلودگی نفتی خلق الساعه و ناگهانی و عرفی اند البته تبادل اطلاعات در پروتکل ۲۰۱۱ غیر از اطلاع رسانی است.

تعهد به پرداخت هزینه ها و بدون درخواست کتبی و دو فرض وجود دارد فرض اول ← دولت X (کمک دهنده) به دولتی که دچار حادثه شده کمک می کند اما هیچ اعتراضی ندارد و ساکت است و کمک کننده هزینه ی اقدامات خود را تقبل خواهد کرد.

فرض دوم جایی است که کشوری کمک ابتکاری انجام می دهد اما مورد اعتراض دوست کمک گیرنده قرار می گیرد، اگر هزینه ای از سوی دولت شده باشد از دستش رفته و برگشت نمی شود.

-مهمترین سند زیست محیطی حوزه ی خلیج فارس کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت است و تعهداتی را بر عهده ۸ کشور حوزه ی خلیج فارس نهاد

تعهدات عمومی و بند «د» مورد چهارم نوآوری است تبدیل آلودگی منظور است و در تعهدات خاص ← تعهد به پایش کشتی و سربار کردن و آب توازن مجزا و ... راپمی سازمان منطقه ای برای حمایت از محیط زیست دریایی خلیج فارس شده است .

کنوانسیون کویت یک پروتکل الحاقی بسیار مهم دارد پروتکل ۱۹۷۸ مبارزه با آلودگی ناشی از نفت می باشد که یک سری تعهدات دارد مثل حفاظت نوار ساحلی در این راستا این پروتکل یک نهادی را تشکیل داده به نام میمک

که میمک دبیرخانه پروتکل ۱۹۷۸ است که وظیفه ی آن مرکز کمک های متقابل موارد اضطراری است . و هدف بنیادین از تشکیل میمک ← همکاری میان دولت‌ها در زمینه ی حوادث اضطراری آلودگی نفتی است .

فعالیت‌های ناشی از اکتشاف فلات قاره

← نصب تجهیزات اعلام خطر ← مورد جدیدی است .

که بر عهده ی دول عضو پروتکل است و بعضی تأسیسات دریایی باید مجهز به تأسیسات اعلام خطر باشد مثلاً سکوها مجهز به چراغ خطر باشند . منظور از مناطق ویژه ← مناطق حساس زیستی است .

بخش سوم

مسائل حقوق محیط زیست در صنعت نفت

- ✓ آلودگی هوا
- ✓ آلودگی صوتی
- ✓ آلودگی آب
- ✓ تخریب طبیعت و از بین رفتن تنوع زیستی (تغییر کاربری)
- ✓ آلودگی نوری
- ✓ آلودگی نفتی
- ✓ پسماندها
- ✓ آلودگی بصری
- ✓ از بین رفتن پوشش گیاهی

- معیار مراحل فعالیت نفتی
- معیار سطح عملیات (پایین دستی و بالادستی)
- معیار قلمرو
- معیار موضوعی
- الف - معیار مراحل
 - اکتشاف
 - حفاری
 - استخراج
 - بهره برداری از تأسیسات و توسعه آنها
 - انتقال
 - ذخیره سازی
 - تصفیه و پالایش
 - توزیع
 - صادرات و واردات
 - مصرف